



مرکز تحقیقات اسلامی


اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



راهی بسوی بانک اسلامی

آیت الله سید صادق شیرازی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راهی بسوی: بانک اسلامی

نویسنده:

صادق حسینی شیرازی

ناشر چاپی:

قرآن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	راهی بسوی: بانک اسلامی
۸	مشخصات کتاب
۸	مقدمه مترجم
۸	کتاب حاضر
۹	بازرگانان مسلمان
۱۰	۱ الغاء ربا
۱۰	نا امیدی چرا؟
۱۱	۱. چگونه می‌توان در بانک‌ها از ربا چشم پوشید؟
۱۱	۲. حقوق کارمندان از کجا؟
۱۳	۳. چرا وام بی بهره بدهیم؟
۱۵	۲ فهرست عملیات اساسی بانک اسلامی:
۱۶	۲ فهرست عملیات اساسی بانک اسلامی:
۱۶	* اما اساس ثابت بانک اسلامی
۱۸	۱ وامی که بانک اسلامی می‌دهد؟
۱۸	۱ وامی که بانک اسلامی می‌دهد؟
۱۹	مراجعه بیشتر
۱۹	سود بیشتر
۲۰	۲ وامی که بانک اسلامی می‌گیرد؟
۲۱	۳ قبول سپرده‌ها
۲۲	۴ مضاربه بانک اسلامی با مشتریان
۲۲	۴ مضاربه بانک اسلامی با مشتریان
۲۳	محدود ساختن وامها

- ۲۳ سود بیشتر
- ۲۳ تقسیم سود مضاربه
- ۲۴ سود، محصول دو عامل است
- ۲۴ سود مضاربه بیش از ربا است
- ۲۵ ۵ مضاربه بازرگانان با بانک اسلامی
- ۲۵ ۶ تجارت با سرمایه
- ۲۶ ۷ نمایندگی در مضاربه
- ۲۷ ۸ ارسال حواله جات
- ۲۷ ۹ پذیرفتن حوالجات وارده
- ۲۷ ۱۰ رهن
- ۲۸ ۱۱ وامهای معمولی
- ۲۸ ۱۲ باز کردن اعتبار
- ۳۰ ۱۳ وامهای صنعتی
- ۳۰ ۱۳ وامهای صنعتی
- ۳۱ راه حل
- ۳۱ ۱۴ پرداخت وام در مقابل اسناد
- ۳۱ ۱۵ پرداخت وام در مقابل کالا
- ۳۲ ۱۶ نقد کردن اوراق بهادار
- ۳۲ ۱۶ نقد کردن اوراق بهادار
- ۳۳ انواع نقد کردن اوراق
- ۳۳ فرض فقهی مسئله
- ۳۳ اینک حل فقهی مسئله
- ۳۴ پول زیادی چه حکمی دارد؟
- ۳۵ ۱۷ صرافی

- ۱۸ مقاصه یا چکهای به شرط وصول ۳۵
- ۱۹ عملیات دیگر ۳۵
- در خاتمه ۳۶
- پی نوشتها ۳۶
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۳۷

راهی بسوی: بانک اسلامی

مشخصات کتاب

نویسنده: دانشمند محترم سید صادق شیرازی

ترجمه: علی کاظمی

اهداء به:

شما بازرگانان مسلمان که مسئولیت احیای قوانین اقتصادی اسلام را به عهده دارید و در تأسیس (بانک اسلامی) خواهید کوشید.

مترجم

این کتاب سرمایه انتشارات قرآن قم در ۲۰۰۰ نسخه در تاریخ ۱/۵/۹۳ ق بچاپ رسید.

راهی بسوی بانک اسلامی

مقدمه مترجم

پس از حمد و ثنای الهی و درود بر پیشگاه حضرت ختمی مرتبت و اهل بیت پاک و خاندان عصمت و طهارت. بسیاری از اوقات هنگامی که انسان با برخی از افراد تحصیل کرده برمی خورد، و صحبت از اقتصاد اسلام به میان می آید با کمال تعجب می پرسند: راستی اسلام هم درباره اقتصاد برنامه ای دارد؟ غافل از آنکه عالیترین برنامه های اقتصادی در پرتو قوانین اقتصادی اسلام است. پس چرا جوانان ما و اقتصاد دانهای ما از اقتصاد اسلام بی اطلاعند؟ برای آنکه این ذخائر علمی عظیم بی صاحب است، و مسلمانان که در اثر تفرقه و اختلاف و از هم پاشیدگی در میدان اقتصاد عقب افتاده اند، اقتصادی ندارند که احساس احتیاج به برنامه اقتصادی بکنند. و اگر هم تازه تازه برخی از ممالک اسلامی بخواهند سر از خواب بردارند و به فکر رشد اقتصادی بیفتند، متأسفانه آنقدر زرق و برق تمدن بیگانه چشم و گوش آنان را بسته که قدرت نگاه انداختن و تأمل در برنامه های اقتصادی اسلام ندارند؛ و همینطور سر بسته و در بسته برنامه های اقتصادی دیگران را تحویل گرفته روی آن کار می کنند. و اصولاً- بعضیها فکر نمی کنند که واقعا در اسلام برنامه هائی برای اداره امور اقتصادی کشورها وجود داشته باشد، برای نمونه در مورد تأسیسات بانکی و برنامه های اقتصادی این مؤسسات کمتر کسی هنوز هم فکر می کند که در پرتو قوانین اسلام مسلمانان بتوانند (بانکهای اسلامی) داشته باشد.

کتاب حاضر

این کتاب ترجمه کتاب (الطریق الی بنک اسلامی) نوشته دانشمند محترم جناب آقای حاج سید صادق شیرازی است مؤلف در این کتاب می خواهد راه رسیدن به یک (بانک اسلامی) را برای مسلمانان هموار کند، و این مسئله را به خوبی مورد بحث قرار داده است، و با حل مشکلاتی که در مورد تأسیس (بانک اسلامی) تصور می شود، ثابت می کند که نه تنها در پرتو قوانین و برنامه های اقتصادی اسلام می توان بانکهای اسلامی تأسیس کرد بلکه بانک اسلامی می تواند با سود بیشتری که خود می برد، و سود بیشتری که به مراجعین خود می رساند به فعالیت ادامه دهد.

به طوری که در ظرف مدت کوتاهی دارای بنیه اقتصادی قوی شده، مراجعین بسیار زیادی برای خود جلب کند، هم از طریق مشروع به مراجعین خود وام های بی بهره بدهد، و هم از طریق مشروع شریک سود بازرگانی مراجعین خود گردد.

خلاصه در این کتاب می‌خوانید که بانک اسلامی می‌تواند تمام عملیات بانکهای دیگر را به استثنای داد و ستد معاملات نامشروع ربا به خوبی انجام دهد؛ به اضافه اینکه با داشتن یک سلسله برنامه‌های اقتصادی جالب اسلامی بر دیگر بانکهای موجود برتری خواهد داشت.

ولی باید دانست که همانگونه که مؤلف اشاره نموده‌اند از سالهای قبل فکر تأسیس بانک اسلامی از طرف اخوی معظم ایشان حضرت آیه الله سید محمد شیرازی به تجار و بانکداران عراق پیشنهاد شده است و معظم له کتاب جالبی در این مورد بنام (بانک اسلامی) نوشته‌اند که همگی منتظر نشر آن هستیم.

بازرگانان مسلمان

در خاتمه امید است بازرگانان مسلمان که اینک راهی برای تأسیس (بانک اسلامی) جلوی پای آنان گذاشته شده است این وظیفه بزرگ را عهده دار شوند، و با تشریک مساعی برادران دینی آرزوی یک عمر مسلمانان را عملی سازند، ما بسیار دیر تکان خورده‌ایم همان سالهای اولی که اولین دکه بانکی در ممالک اسلامی باز شد می‌بایست علمای اسلام و اقتصاد دانان مسلمین به جای تحریم بانک و منفی بافی می‌نشستند و اقدام مثبتی انجام می‌دادند که امروزه، بازارهای مسلمین میدان تاخت و تاز بانکهای ربا خوار نمی‌بود، به هر حال از نیمه ضرر هم بازگشتن منفعت است.

البته ناگفته نماند که جای بسی خوشبختی است که سالهای اخیر در حوزه علمیه قم (صندوق قرض الحسنه علوی) و (مؤسسه تعاون اسلامی) و در تهران و مشهد و اصفهان و همدان و سایر شهرستانها نیز گامهایی به سوی این هدف برداشته شده است، اما تنها به پرداخت قرض الحسنه نمی‌توان اکتفا کرد، بلکه باید کاری کرد که مسلمانان بتوانند تمامی احتیاجات بانکی خود را در بانکهای صالحی که طبق قوانین اقتصادی اسلام کار می‌کند برطرف سازند، و یا کاری شود که بانکهای فعلی در برنامه‌های خود تجدید نظر کنند، و داد و ستد ربا را از برنامه‌های خود حذف نمایند.

به امید آن روز

حوزه علمیه قم علی کاظمی مومندی

۱۵ / ۳ / ۱۳۹۳ قمری

مقدمه مؤلف:

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس خدای جهان را.

درود الهی، درود پیامبران الهی، درود فرشتگان و مردم جهان بر محمد (ص) خاتم پیامبران و آل اطهارش.

کتابی که در دست دارید دارای دو فصل است:

۱. در راه الغاء ربا.

۲. کارهای اساسی بانک اسلامی.

و این دو فصل قسمتی است از کتابی که مدتها پیش آن را بنام:

(فی الاقتصاد الاسلامی و مشکلة الربا) یعنی: (پیرامون اقتصاد اسلامی و مسئله ربا) نوشته بودم.

با اینکه به عللی که شاید برای من روشن است چاپ این دو فصل قبل از چاپ اصل کتاب، برای قسمتهای دیگر کتاب ایجاد اشکالاتی خواهد کرد، اما با این وصف تصمیم گرفتیم که این دو فصل را هر طور شده قبلا- چاپ کنیم، اینک این دو فصل را

تقدیم می‌نمائیم:

کربلاء مقدسه

سید صادق شیرازی

الغاء ربا

ناامیدی چرا؟

طبیعت مردم بر این سرشته شده است که در برابر کارهای پیچیده که چاره آن را سخت می‌دانند تسلیم شوند؛ و به فکر اصلاح امر فاسدی که دنیا را فرا گرفته است نمی‌افتند. و هر نوع بحث و گفتگویی را پیرامون الغاء ربا، و جایگزین نمودن برنامه صالحی را بجای آن بحثی محال شمرده که امید پیروزی برای آن ندارند.

هنگامی که مردم می‌بینند بانکها دنیا را پر کرده‌اند.

و می‌بینند بازارها و بازرگانیهای جهان با این بانکها سروکار دارند؛ و بانکها هم کارشان داد و ستد ربا است، دیگر به فکر اصلاح بانکها نمی‌افتند، زیرا اصلاح بانکها کاری است بس مشکل، و احتیاج به استقامت و دوام بسیار زیاد دارد. و اگر هم کسی در فکر اصلاح بانکها برآید؛ کار او را بلاف و گزاف نسبت داده نتیجه را مجهول می‌دانند. همانگونه که بر هر انسانی به خاطر انسانیت به هر نحو و به هر قیمت که شده واجب است برای ریشه کن ساختن مفسدتی که امروزه بر همه جا حکمرفا است کوشش کند، و مواد فاسد را از قاموس نظام اقتصادی موجود ریشه کن ساخته، به جای آن اوضاع و احوال صالح و برنامه صالحی جایگزین سازد.

همینطور نیز بر افراد مسلمان به خاطر اسلام واجب است به هر نحو و به هر قیمت که شده اوضاع نامسلمانی، و برنامه‌های غیر اسلامی، و ماده‌های غیر اسلامی را از میان جامعه اسلامی ریشه کن ساخته، و برنامه و اوضاع اسلامی جایگزین آن سازد. مشکله ربا در بانکهای امروزی از قبیل مشکلاتی است که چاره آن سخت است، آیا باید این مشکل را رها کرد تا همانند گذشته اجتماع را از بین ببرد؛ و همچنان بقاء و استمرار آن در جهان مصیبتها ایجاد کند.

افراد بیدار که به هر چیز از دریچه منطق و عقل می‌نگرند، با آغوش باز هر چیز را می‌پذیرند و تحویل می‌گیرند تا از آن میان حق را دریابند و از روشها و سخنان حق پیروی نمایند. آری افراد روشن دریچه گوش خود را به روی هر سخنی باز می‌کنند تا حق را درک کنند و آن را تصدیق نموده از آن پیروی نمایند، و همگان را به سوی آن دعوت نمایند، و در مقابل، ناحق و باطل را طرد نموده با آن به مبارزه پردازند.

خداوند کریم اینگونه افراد را در قرآن مجیدش ستوده و درباره آنان می‌فرماید که

(بشارت ده آن دسته از بندگان مرا که هر سخنی را می‌شنوند، ولی از آن سخنی که نیک‌تر و بهتر است پیروی می‌نمایند؛ اینان کسانی هستند که خداوند هدایتشان فرموده و اینان افراد روشن و خردمند می‌باشند).

هم اکنون به امید خدا در صدد پاسخ به پرسشهایی برمی‌آئیم که انسان هنگام مطالعه (نظریه الغاء ربا) با آنها روبرو می‌شود، و در این راه به صورت موانعی جلوه می‌کند، و چه بسا، حل این مشکلات هم بسیار سخت به نظر برسد، و برخی از مخالفین اسلام، یا طرفداران رباخواری این پرسشها را از جمله مشکلات غیرقابل حل معرفی می‌نمایند.

ولی این مشکلات و مسائل که انشاء الله به طور مختصر در صدد آنها و پاسخگویی به آن برمی‌آئیم برای شما معلوم خواهد شد که چگونه حل آن آسان است؛ و از دور برای افرادی همچون سراب‌ها و آب نماها جلوه‌ای کاذبانه داشته است. اینک این پرسشها را روی میز تشریح حقیقت قرار دهیم:

۱. در بانکها چگونه می‌توان از (ربا) بی‌نیاز شد؟

۲. حقوق کارمندان از کجا تأمین شود؟

۳. چگونه قرض بی‌ربا بدهیم؟

۴. در بانک اسلامی بودجه را چگونه حفظ کنیم؟

۱. چگونه می‌توان در بانک‌ها از ربا چشم پوشید؟

این پرسش اولین مشکلی است که مسئله (الغاء ربا) با آن مواجه می‌شود.

می‌گویند (بله ما قبول داریم که ربا خانمان برانداز و کوبنده اقتصاد ملت‌ها است، اما چاره چیست، ما چگونه می‌توانیم از این بانک‌هایی که ربا می‌گیرند و ربا می‌دهند چشم پوشیم؟ در صورتی که این بانک‌ها امروزه شریان حیاتی اقتصادند و همچون روح موجب پایداری آن می‌باشند، و تجارتهای جهانی هم بر اساس داد و ستدهای بانکی استوار شده، و بازارهای جهانی هم با این بانک‌ها می‌چرخند، آیا با این وصف چشم پوشی از بانک‌ها جز این معنائی دارد که باید تمام بازارها و داد و ستدها و اقتصاد ملت‌ها، واردات‌ها و صادرات‌ها همگی یکباره به حالت تعطیل درآید؟

بنابراین یا میبایست خود را تسلیم ربا کنیم و با این بانک‌ها داد و ستد نمائیم؟

و یا می‌بایست به منظور فرار از این بانک‌ها بازارها و بازرگانیها را کد شود؟

این پرسش را مردم به صورت یک مشکل غیرقابل حل تصور می‌کنند، و در برابر آن راه نجاتی نمی‌یابند.

و اما غافل از آنکه وقتی ما درباره بانک‌های رباخوار بحث می‌کنیم، به عنوان یک بانک درباره آنها به گفتگو نمی‌پردازیم بلکه به عنوان (بانک‌های رباخوار) که داد و ستد ربوی انجام می‌دهند پیرامون آنها بحث می‌نمائیم.

ما نمی‌گوئیم از بانک‌ها چشم پوشی کنیم؛ و نیازی به بانک‌ها نداریم.

بلکه ما می‌گوئیم: از رباخواری در بانک چشم پوشیم؛ و این رباخواری بانک‌ها است که اقتصاد جامعه را فلج می‌کند. و این (ربا) که ما درباره آن بحث می‌کنیم نه شاهرگ حیاتی اقتصاد است، و نه روح اقتصاد و بازرگانی ملت‌ها می‌باشد و نه گردش بازارها به واسطه آن می‌باشد.

و این که می‌بینیم امروزه بانک‌ها از عوامل مهم گردش اقتصاد می‌باشند به خاطر مجموعه داد و ستدها، و ردوبدل حوالجات و صادرات و واردات؛ و باز کردن حسابهای جاری و گردش، و قبول ودیعه‌ها و بازرگانیها و کارهای دیگری است که انجام می‌دهند... نه به خاطر داد و ستد ربا، به طوری که اگر بانک‌ها از ربا چشم پوشند به منزله قطع شاهرگ حیاتی جامعه باشد!

ما به شما اطمینان می‌دهیم که اگر داد و ستدهای ربوی از بانک‌ها حذف شود؛ و بانک‌ها به کارهای دیگر خود به غیر از داد و ستد ربا ادامه دهند هیچ بازاری متوقف نخواهد شد، و هیچ تجارتی و واردات و صادراتی تعطیل نخواهد شد، بلکه برعکس اگر بازرگانیها و بازارها از سیستم ربائی به سیستم «مضاربه» اسلامی تبدیل شوند ترقی بیشتری نصیب آنها خواهد شد. بنابراین برای ما امکان دارد که در بانک‌ها از ربا صرف نظر نمائیم! بلکه الغاء ربا از نظر انسانیت لزوم حیاتی دارد. و پس از الغاء ربا به خوبی خواهیم فهمید که چگونه اقتصاد پیشرفت خواهد نمود.

۲. حقوق کارمندان از کجا؟

پرسش دوم این است:

پس از آنکه از برنامه بانک‌ها، ربا این درآمد هنگفت الغاء شد؛ حقوق کارمندان بانک‌ها که بودجه فراوانی است از کجا تأمین شود؟

برای پاسخ دادن به این پرسش باید به این سه نکته توجه نمود:

نکته اول:

آیا سود بانکها تنها منحصر به (ربا) است، که اگر ربا الغاء گردید بانکها در آمد دیگری به دست نیاورند؟ و بانک برای حقوق کارمندان بودجه‌ای نداشته باشد؟ نه خیر!

بانکها کارهای بازرگانی مهمی انجام می دهند که می توان گفت: چرخ اقتصاد جامعه بوسیله همین کارهای بازرگانی بانکها می چرخد، و روی همین حساب است که بانکها امروزه به صورت شاهرگ حیاتی اقتصاد جهان در آمده‌اند، و سودهایی که بانکها از کارهای بازرگانی به دست می آورند به مراتب بیشتر از منافی است که بنام (ربا) به جیب می زنند. بنابراین امکان دارد همانند دیگر مؤسسات و شرکتها که حقوق کارگران خود را از سودهای حاصله بازرگانی می پردازند و بقیه را صاحبان شرکتها و مؤسسات برای خود منظور می دارند، بانکها نیز حقوق کارمندان خود را از مجموع سودهای حاصله خود پردازند.

علاوه بر این رواج ربا در بانکها که در نتیجه آن از گردش بازارها کاسته می شود، بازرگانیها لطمه می خورد، سطح بی کاری در میان مردم بالا می رود، و افراد بی سرمایه قدرت کار نخواهند داشت؛ فقر و تنگدستی روی آور می شود، ثروتها همچنان جامد و راکد خواهند ماند، آیا وجدان انسانیت اجازه می دهد که جهانیان بخاطر حقوق کارمندان و مزد مستخدمین در این بلادها و نابسامانیهای حاصله از ربا دست و پا بزنند؟

هیچ گاه انسانیت و وجدان بشر چنین اجازه‌ای نخواهد داد، و برعکس وجدان انسان با سرسختی و شدت به جنگ ربا برمی خیزد.

نکته دوم:

آیا حقوق کارمندان بانکها به اندازه یک دهم ۱/۱۰ بودجه‌هایی که دولتها بنام بالا بردن سطح اقتصاد کشور صرف می کنند خواهد شد؟ دولتها به عنوان بالا بردن سطح اقتصاد کشور این بودجه‌ها را صرف می کنند:

۱. تشکیل وزارتخانه‌ای مخصوص اقتصاد، با دوائر و قسمتهای مربوطه.

۲. مبالغ هنگفتی از بودجه که صرف هیئتهای اقتصادی می شود.

۳. همه ساله به منظور تکمیل مطالعات اقتصادی تعداد بسیاری دانشجو به کشورهای دیگر اعزام می کنند.

۴. تأسیس دانشکده‌های مهمی به منظور مطالعات در زمینه اقتصاد.

و از این قبیل امور مربوطه به اقتصاد که در راه آن بودجه‌های هنگفتی صرف می گردد.

دولتهایی که بار سنگین این همه بودجه‌های فراوان را بنام (رشد اقتصادی) یا (در راه یک اقتصاد نیرومند) و ... بر دوش خود تحمل می کنند؛ چه می شود که در ردیف این ستونهای بزرگ به وجود یک قلم حقوق کارمندان بانکها را نیز بنام (رشد اقتصادی) و دیگر عناوین فریبنده بدوش کشند، زیرا الغاء ربا برای ایجاد یک اقتصاد نمونه، و رشد اقتصادی گامی بسیار مؤثر به شمار می رود ...

این در مورد بانکهای دولتی.

اما نسبت به بانکهای خصوصی و ملی انصاف آن است که این بانکها نیز هر چند هم که با الغاء ربا قسمت مهمی از منافع خود را که از راه ربا بدست می آوردند از دست خواهند داد ولی انصاف آن است که آنها نیز باید از این سود کثیف صرف نظر کنند، زیرا با الغای ربا اقتصاد به سوی ترقی و تکامل پیش خواهد رفت، و موجودیت اقتصاد جامعه به سود همگی افراد ملت حفظ خواهد شد.

زیرا بر افراد یک جامعه لازم است که مصالح عمومی مهم اجتماع را بر مصالح ناچیز فردی خود مقدم دارند. کدام وجدان سالم اجازه می دهد که ملتی در فقر و فلاکت و گرسنگی دست و پا بزنند، و اقتصاد ملتی فلج شود، تا عده‌ای ثروتمندان و اشراف بر میزان ثروتهای کلان خود بیفزایند؟

و کدام وجدان سالم است که بخاطر تأمین مصالح حتمی و ضروری یک اجتماع از رباخواری این ثروتمندان و پولداران الغاء رژیم

رباخواری را اجازه ندهد؟

به زودی در فصل آینده ثابت می‌کنیم که اگر رژیم ربا خواری لغو شود؛ بانکها چه دولتی و چه ملی از سود بیشتری بهره‌مند خواهند شد.

علاوه بر این اگر بانکهای دولتی از داد و ستدهای ربوی دست بکشند، و ربا را از برنامه بانکها الغاء کنند، بانکهای ملی و خصوصی هم به زودی قبل از آنکه آنها را مجبور کنند برای حفظ موجودیت خود به سرعت ربا را در برنامه‌های بانکی لغو خواهند نمود. زیرا پس از آنکه بانکهای دولتی ربا را لغو کردند، بانکهای خصوصی می‌بینند که مردم متوجه بانکهای دولتی می‌شوند و بانکهای آنان را کد خواهد ماند، و دیگر مردم با آنان رابطه نخواهند داشت؛ و علاوه از دست دادن سودهای ربائی سودهای تجارتي را هم که از راههای دیگر داشت، مانند سودهایی که از راه حسابهای مختلف؛ و سودهایی که از راه حوالجات و قبول چکها، و صادرات و واردات و ... نصیب بانکها می‌گردد، این سودها را نیز از دست خواهند داد. و لذا بانکهای خصوصی برای آنکه لااقل این سودها را برای خود حفظ کنند به سرعت ربا را از نظام بانکی خود لغو خواهند نمود.

نکته سوم:

در صورت (الغاء ربا) بانکها در عین حال که گرفتن ربا را لغو کرده‌اند، پرداخت ربا را نیز لغو خواهند نمود، بنابراین الغاء ربا اگر از یک سو با از دست دادن سودهایی که به عنوان ربا می‌گرفته‌اند برای بانکها خسارتي به شمار می‌آید، از سوی دیگر با پرداختن سودهایی که به عنوان ربا می‌پرداخته‌اند منافی خواهند داشت.

زیرا همانگونه که بانکها از افرادی که به آنها وام داده است ربا می‌گیرد، به ثروتمندانی که اموال خود را در حسابهای بهره‌دار به بانک می‌سپارند ربا می‌دهد.

برای نمونه بانکی که سودهای حاصله او از بدهکارانش مثلا- دو میلیون تومان باشد مبلغی نیز به همین میزان باید به عنوان ربای حسابهای سپرده و ... به افراد معدودی از ثروتمندان بپردازد. روی این حساب بانکی که در یک سال مثلا مبلغ دو میلیون تومان از هزاران فقیر و ناتوان و محتاج به عنوان ربا دریافت می‌کند مبلغی به همین میزانها باید به عنوان ربا حسابهای افراد معدودی از ثروتمندان به آنان بپردازد.

بله ممکن است سر سال سودهای دریافتی بانک از طریق ربا بیشتر از سودهای پرداختی باشد؛ مثلا سودهای دریافتی یک میلیون و دویست هزار تومان باشد، در حالی که سودهای پرداختی بیش از یک میلیون تومان نباشد.

و نیز امکان دارد گاهی هم سودهای دریافتی یک بانک از طریق ربا سر سال کمتر از سودهای پرداختی او باشد؛ مثل اینکه برعکس سودهای دریافتی بانک یک میلیون تومان باشد در حالی که سودهای پرداختی یک میلیون و دویست هزار تومان باشد. بنابراین (الغاء ربا) زیان بزرگ و خسارت مهمی در بودجه بانکها ایجاد نمی‌کند، که بعضی از افراد الغاء ربا را محال می‌پندارند. بلکه باید گفت: جریان برعکس است، و در بسیاری از بانکها که میزان سپرده‌ها در آن بیشتر است از وامهایی که به مردم می‌دهند، الغاء ربا در اینگونه بانکها از خسارتهای فراوانی جلوگیری خواهد نمود.

نتیجه اینکه:

تأمین حقوق کارمندان بانک تنها منحصر به (ربا) نیست به طوری که اگر ربا از بانکها حذف شود کارمندان بدون حقوق بمانند.

۳. چرا وام بی بهره بدهیم؟

این سومین پرسش است در این باره.

چگونه بدون بهره وام بدهیم؟

چرا ما ثروت خود را به مردم بدهیم که مدت زمانی در پرتو آن آسایش کنند، و پس از مدتها پول ما را بدون هیچ گونه سرآمد و ربی همانطور که گرفته‌اند به ما پس بدهند؟
در پاسخ این پرسش خواهیم گفت:

اولاً: سود مربوط به اصل مال و ثروت نیست، بلکه بهره در مقابل کار و کوشش است، آیا مشاهده نمی‌کنید: اگر ثروت فراوانی زیرزمین دفن شده باشد؛ هر چند هم که سالیان دراز بر آن بگذرد، اگر چیزی از آن کاسته نشود چیزی بر آن افزوده نخواهد شد؛ اما ثروت اندکی که با آن تجارت و داد و ستد انجام گیرد در هر معامله‌ای به میزان آن ثروت بهره بر آن افزوده خواهد شد؟ حال که از نظر طبیعی می‌بینیم بهره مربوط به اصل ثروت نیست؛ بنابراین صاحب مال چه حقی بر گیرنده وام دارد؟ از نظر اصل ثروت که دانستیم مال خود به خود صلاحیت جلب سود و بهره‌ای ندارد.

و از لحاظ کار و کوشش هم که صاحب ثروت برای زیاد شدن مال خود عملیاتی روی ثروت خود انجام نداده است. پس روی چه حسابی باید بر ثروت وام دهنده اضافه شود، و تنها به خاطر اینکه مدت زمانی پول خود را بدست نیازمندی داده است موقع بازپس گرفتن ثروت خود اضافه بر مبلغ پرداخت شده چیزی مطالبه نماید؟
در ثانی:

چرا از ثواب آخرتی و خوشنودی خداوند غافل هستیم زیرا قرض دادن از کارهای نیکی است که از نظر اسلام دارای ثواب و پاداش فراوان است، گاهی انسان تجارت می‌کند و با ثروت خود ۵٪ یا ۱۰٪ یا ۱۵٪ بهره بدست می‌آورد، و گاهی هم انسان یک تجارت معنوی می‌کند و خداوند برای او بهره‌ای به میزان ۱۰۰٪ و بیشتر در حساب آخرتش منظور می‌کند. ما که مسلمان هستیم؛ و اعتقاد به آخرت و پاداش خداوندی داریم، چه مانعی دارد که بوسیله قسمتی از اموال خود سود دنیائی بدست بیاوریم، و بواسطه قسمت دیگری از ثروت خویش بهره‌های آخرتی پس‌انداز کنیم؟
بلکه ثواب آخرت در قرض الحسنه بسیار بیشتر از ۱۰۰٪ است.

چرا؟

برای اینکه ثواب صدقه طبق صریح قرآن ده برابر اصل مال است:
(هرکس در راه خدا احسان کند ده برابر آن پاداش دارد).

و حدیث شریف می‌فرماید: قرض دادن بهتر از صدقه دادن است، اینک به این روایت توجه فرمائید:

شیخ صدوق در کتاب (ثواب الاعمال) از حضرت امام جعفر صادق (ع) روایت می‌کند که فرمودند: (اگر من مالی را به کسی قرض بدهم در نظرم بهتر است از آنکه به اندازه همان مال را به کسی صدقه بدهم). بلکه پاداش قرض الحسنه از اینها هم بیشتر است! زیرا صدقه به نسبت ده برابر است. در حالتی که قرض به نسبت هیجده برابر خواهد بود اینک به این روایت توجه فرمائید: حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمودند: (در قرض الحسنه انسان یک بر هیجده ثواب می‌برد). آیا این اندازه بهره برای مسلمانان سودی بزرگ و ربی کلان بشمار نمی‌آید؟ امروزه در بانکها خیلی که زیاد بهره به شما بدهند ۸٪ یا ۹٪ است. اما بهره قرض الحسنه نزد خداوند به نسبت یک بر هیجده می‌باشد. بنابراین مسلمانها! بیائید به برادران دینی خود وام بدون بهره بدهیم تا از این بهره عالیتر و بیشتر برخوردار گردیم.

در ثالث: برای کسانی که قدرت کار ندارند و می‌خواهند از ثروت خود بهره‌ای بدست بیاورند در قوانین اقتصادی اسلام باب مضاربه باز است: اینک خلاصه قانون مضاربه: مال از شخصی، کار از دیگری، و سود آن را به نسبت معینی با توافق یکدیگر میان خود تقسیم می‌کنند:

نصف سود برای صاحب پول، و نصف دیگری برای کسی که با آن کار می‌کند؟ یا اینکه یک سوم سود برای صاحب پول، دو

سوم دیگر مربوط به طرف باشد!

یا اینکه یک چهارم سود برای صاحب پول، و سه چهارم دیگر برای طرف.

و همچنین به هر طریقی که توافق داشتند. فرقی که میان ربا و مضاربه موجود است از این جهت است:

۱. بهره در ربا میزانی ثابت دارد ۵٪ یا ۱۰٪ و ... اما سود در مضاربه محدود نیست، بلکه سود طرفین به میزان سود معاملات آنان است چه زیاد باشد و چه کم.

۲. سود ربا اکثراً اندک است، اما سود مضاربه چون یک سود بازرگانی است اکثراً بیشتر است.

کمتر تجارتنی یافت می‌شود که سود آن ۵٪ باشد، معمولاً سودهای بازرگانی ۲۰٪ یا ۳۰٪ بلکه گاهی بالا-رفته به ۵۰٪ و ۶۰٪ می‌رسد. و گاهی ممکن است سود یک تجارت به صد در صد هم برسد.

۳. بهره ربا حتمی است، به این معنی شخصی که با پول دیگری تجارت می‌کند چه در تجارت خود سود ببرد یا زیان باید میزان معینی همیشه ربا بدهد.

ولی بهره مال مضاربه حتمی و ثابت نیست، به این معنا که اگر اتفاقاً تاجر در معامله خسارت دید، صاحب پول (اگر شریک خسارت نشود) چیزی بیشتر از مال خود مطالبه نمی‌کند. بنابراین اگر پول خود را بدون ربا به کسی به عنوان قرض یا مضاربه بدهیم بیش از ربا سود دنیوی و اخروی خواهیم برد.

۴. چگونه می‌توان بودجه را در بانک اسلامی حفظ کرد؟

این پرسش پنجمین مشکلی است که در راه تأسیس بانک اسلامی مانع بزرگی به نظر می‌رسد. چگونه ممکن است ما بتوانیم تعادل در بودجه بانک اسلامی را حفظ کنیم؟ زیرا همین که مردم دانستند بانک اسلامی قرض بی بهره می‌دهد. همگان برای گرفتن وام به سوی بانک اسلامی هجوم می‌آورند، و در همان اولین روز سرمایه و موجودی بانک تمام خواهد شد.

اما پاسخ این پرسش:

بله بانک اسلامی (قرض الحسنه) می‌دهد، بی آنکه بهره و ربا بگیرد اما با شرائطی معقول و در یک چهار چوب مطالعه شده و معین، که برنامه آن مانند برنامه همین بانکهای امروزی است.

بانکهای امروزی هم یکباره تمام سرمایه خود را وام نمی‌دهند، بلکه مقدار معینی از سرمایه خود را اختصاص به این کار می‌دهند، و بقیه سرمایه خود را برای کارهای دیگری از قبیل چکها، تجارتها، و ضمانتها و دیگر معاملات می‌گذارند. بانک اسلامی هم تنها یک (بانک قرض الحسنه) نیست و مانند سایر بانکها است با یک فرق که در بانک اسلامی تنها برنامه ربا دادن و ربا گرفتن لغو شده است، و به استثنای برخی از مواد جزئی دیگر از سایر کارهای بانکی که قوانین اقتصادی اسلام آنها را نیز تجویز نمی‌کند. بلکه آن دسته از افراد که می‌خواهند به منظور تجارت نه برای رفع احتیاجات ضروری زندگی، از بانک اسلامی قرض بگیرند، بانک اسلامی نباید به این دسته افراد قرض الحسنه بدهد، بلکه به عنوان (مضاربه) پولی در اختیار آنان می‌گذارد که طرف با آن پول تجارت کند و سودهای حاصله میان بانک اسلامی و طرف حساب، به نسبت معینی تقسیم گردد؛ و در فصل آتیه مقداری در این باره بحث خواهد شد. اما آن دسته از افراد تنگدست که احتیاج، آنها را وادار به قرض الحسنه از بانک اسلامی کرده است، لازمه برادری و انسانیت، و وجدان اخلاقی و روحیه خیرخواهی است که به این افراد بدون بهره قرض الحسنه داده شود، و این اقدام همانند دیگر اقدامات بهره قرض الحسنه داده شود، و این اقدام همانند دیگر اقدامات اجتماعی و انسانی است که دولتها و مؤسسات خیریه در جهان انجام می‌دهند.

کارهای اساسی بانک اسلامی

۲ فهرست عملیات اساسی بانک اسلامی:

۱. پرداخت قرض بدون ربا.
 ۲. دریافت قرض بدون ربا.
 ۳. قبول سپرده‌ها.
 ۴. مضاربه بانك اسلامی با عاملین بازرگانی.
 ۵. مضاربه تجار با بانك اسلامی.
 ۶. بازرگانی.
 ۷. وکالت در مضاربه.
 ۸. پرداخت حوالجات.
 ۹. دریافت حوالجات.
 ۱۰. رهن.
 ۱۱. قرضهای عادی.
 ۱۲. افتتاح اعتبارات بانکی.
 ۱۳. وامهای صنعتی.
 ۱۴. معامله سلف روی اسناد.
 ۱۵. معامله سلف روی اجناس.
 ۱۶. نقد کردن سفته‌ها.
 ۱۷. صرافی پولها.
 ۱۸. مقاصه.
 ۱۹. و عملیات دیگر.
- بانك اسلامی روی دو اساس ذیل استوار است
۱. اساسی ثابت ۲. اساسی متغیر.

* اما اساس ثابت بانک اسلامی

الف بانک اسلامی برای همیشه و به طور جدی هر اندازه هم دشوار باشد ازداد و ستد ربا خودداری می‌کند. هنگامی که به کسی وامی بدهد به هیچ وجه برای طرف شرط نمی‌کند که هنگام پرداخت وام مبلغی اضافه پردازد. و هنگامی که بانک از کسی وامی گرفت پرداخت چیزی را اضافه بر اصل وام به عهده نمی‌گیرد. این مطلب امری است ثابت که بانک اسلامی از آن تخلف نخواهد کرد. بله ممکن است بانک هنگام پرداخت وام تحت یک سلسله شرایط شرعی با وام گیرنده شرط اضافه پس دادن بنماید، یا اینکه هنگام دریافت وام از وام دهنده شرط اضافه پس دادن بپذیرد؛ ما خلاصه این نوع داد و ستد را ضمن این فصل بیان داشتیم، اما در این صورت دیگر (قرض) شرائط خود را از دست خواهد داد، و این نوع داد و ستد تابع احکام (قرض الحسنه) نخواهد بود، بلکه این داد و ستد تابع احکام (مضاربه اسلام) و انواع دیگر داد و ستدهای شرعی خواهد بود که در جای خود احکام آن بیان شده است.

ب بانک اسلامی در هر موردی جزئی و کلی از برنامه‌های اقتصادی اسلام الهام می‌گیرد، که آخرین و کاملترین سیستم قانونگذاری آسمانی است، و از نظر علمی و عملی برتری آن بر تمامی نظامهای جهان ثابت شده است، و پیروزترین برنامه‌ای است که بشریت در طول تجربیات خود از پرتو آن نیکبهای فراوان مشاهده نموده است...

بنابر این منطقی، هر نوع داد و ستدی که در بانکهای امروزی رواج دارد، و با دستورات اسلامی مخالف می‌باشد بانک اسلامی در برابر آن تسلیم نخواهد شد، و از همان اول پایه‌های خود را روی اساس معینی پیاده می‌کند که با این نوع داد و ستدها مواجه نشود. و اینک برای توضیح این قسمت به نمونه ذیل توجه فرمائید:

داد و ستد بین طرفین معامله از یکی از این چهار نوع خارج نیست:

نوع اول:

فروشنده، جنس نقدی خود را تحویل مشتری بدهد؛ و مشتری نیز بهای نقد خود را تحویل فروشنده دهد، این نوع معامله در اصطلاح اقتصاد اسلامی به (فروش نقدی) نامیده می‌شود، زیرا جنس و بها هر دو نقد است.

نوع دوم:

فروشنده جنس نقد خود را تحویل مشتری بدهد، و لیکن مشتری پرداخت بهای جنس را به آینده موکول نماید و این نوع داد و ستد در اصطلاح اقتصاد اسلامی (فروش نسیه) نامیده می‌شود، زیرا بهای جنس در ذمه مشتری است و پس از مدتی داده خواهد شد.

نوع سوم:

مشتری بهای جنس را تحویل فروشنده بدهد، ولیکن فروشنده پرداخت جنس را به مدتی بعد موکول نماید، و این نوع معامله در اصطلاح اقتصاد اسلامی (بیع سلف) نامیده می‌شود. زیرا سلف به معنی پیش خرید است، و در این معامله مشتری بهای جنس را پیش از دریافت جنس پرداخته است.

نوع چهارم:

نه فروشنده جنس را نقد می‌دهد، و نه مشتری بهای جنس را نقد می‌پردازد، بلکه هر دو با یکدیگر تنها گفتگو می‌کنند مثل اینکه با هم قرار می‌گذارند که فروشنده یک ماه دیگر جنس را تحویل دهد، و مشتری هم پس از دو ماه مثلاً بهای جنس را بپردازد. بنابر این آنچه که میان فروشنده و مشتری گذشته است تنها عقد معامله و التزام طرفین است، و این نوع معامله در اصطلاح اقتصاد اسلامی (بیع کالی به کالی) نامیده می‌شود یعنی: (فروش نسیه به نسیه).

نتیجه گیری:

از این چهار نوع معامله تنها اسلام سه نوع اول آن را قبول دارد، و نوع چهارم را رد می‌کند.

بنابراین معامله (کالی به کالی) در اسلام درست نیست. روی این حساب:

سفته‌هایی که تنظیم آن روی واقعیت باشد، و در واقع کسی که سفته می‌دهد نسبت به کسی که سفته از او می‌گیرد مدیون باشد (و یک نوع سفته ساختگی نباشد).

اینگونه سفته را در بانک اسلامی می‌توان نقد کرد، و پول آن را دریافت نمود.

اما این سفته را نمی‌توان به عنوان نسیه فروخت، به این ترتیب که آن را با مدت معین بفروشند، زیرا این نوع معامله از نوع چهارم است که بیع (کالی به کالی) است، و جایز نیست.

بله سفته‌های صوری که در واقع دینی در کار نیست و تنها ظاهر سازی است؛ اینگونه سفته‌ها، همانگونه که می‌توان آنها را به صورت نقدی فروخت، به صورت نسیه هم می‌توان آنها را فروخت.

بنابراین در مورد سفته‌های واقعی بانک اسلامی به کارمندان خود اجازه نمی‌دهد که اینگونه سفته‌ها را به صورت نسیه بفروشند،

بلکه می‌توانند این سفته‌ها را برای مشتریان خود به صورت نقدی معامله کند. و معاملاتی از این قبیل که پیش بیاید بانک اسلامی یا آن را رد می‌کند، و یا آن را به صورت مشروعی تبدیل خواهد نمود.

بانک اسلامی، نه بانک بدون ربا

با توجه به اختلافاتی که بانک اسلامی نسبت به بانکهای امروزی دارد، و چند نمونه آن ذکر شد نمی‌توانیم روی بانک اسلامی (بانک بی ربا) نام بگذاریم، زیرا مورد اختلاف بانک اسلامی با بانکهای امروزی تنها مسئله ربا نیست، بلکه علاوه بر ربا بانکهای امروزی معاملات نامشروع دیگری نیز دارند که اسلام آن نوع معاملات را تجویز نکرده است. نظر به این جهت بود که ما نام کتاب خود را (بانک اسلامی) گذاشتیم نه (بانک بی ربا). اما اساس متحول بانک اسلامی:

بانک اسلامی تمامی فعالیت‌های را که دیگر بانکها روزانه و سالیانه انجام می‌دهند، دارد، و تمام این فعالیت‌ها را انجام می‌دهد، اما در تمام این فعالیت‌های بانک اسلامی یک شرط وجود دارد: که باید این فعالیت از کارهایی باشد که با قوانین اسلامی سازگار باشد، یا یکی از احکام اسلامی شامل آن باشد، و یا مصداق برخی از احکام کلی و مباحی باشد که در شریعت اسلام آمده است. و در این مورد بر خلاف تصور بعضی‌ها این ملاحظه در کار نیست که نوع داد و ستد از انواعی باشد که در زمان پیامبر (ص) یا در زمان امامان (ع) رایج بوده است. برای نمونه نظام سفته‌ها به طور کلی نظامی است تازه که اخیراً با این شکل خاص بوجود آمده است، بانک اسلامی فعالیت در این زمینه را نیز جزء برنامه کار خود قرار می‌دهد، به استثنای چند بند آن که بر خلاف قوانین اقتصادی اسلام است. گرچه این نظام در عصر اول اسلام با این شکل وجود نداشته است، اما برخی از عمومات مواد قانون اسلام شامل آن می‌شود مانند این آیه از قرآن مجید:

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید به قرار خود وفادار باشید).

و این گفتار از فرمایشات پیامبر اسلام: (مسلمانان به شرطهای خود وفا دارند).

همانگونه که اصل (تشکیلات بانکی) در عصرهای اولیه اسلام وجود نداشته است، ولی عمومات آیات قرآن مجید، و روایات سنت پیامبر (ص) شامل آن خواهد شد، و لذا از نظر اسلام اساس تشکیلات بانکی جایز است البته با اصلاح قسمتهایی که گفته شد. و مانند: اسکناسهای رایج که در جهان فعلی ما متداول است مثل تومان، دینار، دلار که در زمان حضرت رسول (ص) وجود نداشت، و در آن عصر پول رایج طلا- و نقره یا اجناس دیگری از این قبیل بود که اینگونه پولها خود به خود بی آنکه احتیاج به اعتبارهای دولتی و یا پشتوانه‌هایی داشته باشد دارای ارزش و نرخ واقعی بود.

با اینکه اسکناس در زمان پیامبر و ائمه (ع) نبوده است، ولی امروزه از نظر اسلام معامله با آن جایز است، و اسکناس با پولهای طلا و نقره قدیم فرقی ندارد؛ زیرا عمومات قوانین اقتصادی اسلامی شامل آن خواهد شد. و بر این منوال بانک اسلامی هر نوع معامله و کاری که موجب استحکام و پیشرفت بنیه اقتصادی باشد انجام می‌دهد، اما با یک شرط که آن کارها و داد و ستدها مطابق قرآن و سنت باشد. و اینک به نحو اختصار به توضیح قسمتی از کارهای بانک اسلامی می‌پردازیم، و تفصیل آن را به فرصتهای مناسب دیگر مانند کتاب (بانک اسلامی) برادرم مرجع دینی واگذار می‌کنم.

۱ وامی که بانک اسلامی می‌دهد؟

۱ وامی که بانک اسلامی می‌دهد؟

بانک اسلامی از سرمایه خود همانند بانکهای دیگر وام می‌دهد، تنها فرقی که بانک اسلامی با سایر بانکها دارد آن است که بانک

اسلامی چیزی علاوه بر مبلغی که به عنوان وام داده است از طرف نمی‌گیرد، همانگونه که پرداخت وام‌های خود را روی مصالح تشکیلات بانک اسلامی به افراد می‌پردازد:

الف از جهت گیرنده وام، بانک اسلامی در مرتبه اول پیش از هر چیز به مشتریان خود وام می‌دهد، و برخی از افراد که بانک از وجود اسامی آنان در لیست‌های خود به منظور تثبیت موقعیت خود بهره‌برداری می‌کند مانند کارمندان عالی رتبه، و افرادی هم از بازرگانان معروف که در آتیه به همکاری آنان نیازمند است، بانک این گونه افراد را روی مصالحی در پرداخت وام مقدم می‌دارد، البته سوء تفاهم نشود معنای این عمل این نیست که بانک به فقراء و افراد بی بضاعت وام نخواهد داد، نه اصولاً بانک برای تقویت اقتصاد بینوایان است، ولیکن به خاطر تثبیت موقعیت بانک و مصالحی که در بدو تأسیس بانک ایجاب می‌کند این افراد در گرفتن وام بر دیگران مقدم می‌افتند، تا در اثر رابطه با اینگونه افراد و جلب آنان و حسابهایشان بنیه اقتصادی بانک اسلامی تقویت شده سپس بتواند به فقراء و دیگران وام بدهد.

ب از جهت میزان وام، بانک اسلامی یکباره نیمی از تمام سرمایه خود را وام نمی‌دهد، تنها به میزانی وام می‌دهد که هم کار دیگران را راه بیندازد و هم کارهای خودش دچار وقفه نشود.

ج از لحاظ زمان وام، بانک اسلامی وام‌های خود را دو ماهه، یا شش ماهه، یا یکساله یا بیشتر یا کمتر طبق مصالح اجتماعی و اقتصادی خود به مردم می‌پردازد.

مراجعه بیشتر

برنامه وام بدون بهره از طرف بانک اسلامی موجب خواهد شد که افراد بسیاری مراجعه کنند قهراً بانک اسلامی می‌تواند از طریق مشروع از معاملات و مراجعات بازرگانی، و حوالجات؛ و دیگر داد و ستدهای آنان خیلی بیشتر از سود نامشروع ربا بهره برداری کند.

برای نمونه: اگر در همین کربلای مقدس به فرض سه بانک وجود داشته باشد، و فرض کنیم که مراجعین مختلف این سه بانک سی هزار نفر باشد به طور مساوی سهم هر یک از این سه بانک ده هزار مشتری خواهد بود، اگر به فرض یکی از این سه بانک اسلامی باشد؛ و از مراجعین خود ربا نگیرد، قهراً از میان این سی هزار نفر بیست هزار نفر به این بانک اسلامی مراجعه خواهند نمود، و به طور حتم استفاده‌ای که بانک اسلامی از سایر کارها و داد و ستدهای این بیست هزار نفر می‌برد از استفاده‌ای بانکهای دیگر از داد و ستدها و ربای آن ده هزار نفر دارند بیشتر خواهد بود.

اینکه گفتیم: مراجعین بانک اسلامی از دیگر بانکها بیشتر خواهد شد، برای آن است که بانک اسلامی کار دیگر بانکها را برای مراجعین خود انجام می‌دهد و فعالیتها اقتصادی و بازرگانی مختلف دارد، و هر نوع استفاده‌ای که مردم از بانکهای دیگر دارند در این بانک هم خواهند داشت، در مورد وام هم اگر مشتری بانک یک وقت احتیاج به وام پیدا کرد چه برای تجارت یا برای رفع احتیاجات ضروری منزل، بانک اسلامی بدون هیچ نوع اضافی و ربائی به او وام خواهد داد، ولی همین شخص اگر برای گرفتن وام به سایر بانکها مراجعه می‌کرد از او ربا می‌گرفتند.

بانک اسلامی که گفتیم: در مرتبه اول به مشتریان خود وام می‌دهد درباره افرادی که با این بانک سرو کار ندارند مانند سایر بانکها رفتار می‌کند زیرا همین عمل موجب می‌شود که مشتری‌های بانک اسلامی هر چه سرمایه و پول دارند از بانکهای رباخوار بیرون کشیده تحویل بانک اسلامی کنند.

سود بیشتر

اما اینکه سود بانک اسلامی از معاملات مختلف مشتری‌هایش بیشتر از ربائی است که آنها بدهند: برای اینکه اگر میزان سود بانک اسلامی را در سال از معاملات مختلف مشتریانش (از حوالجات، مضاربه، واردات و صادرات، و کالتهای و دیگر داد و ستدها) با استفاده نامشروع ربای بانک را از وامهای مشتریان بسنجیم خواهیم دانست که سود معاملات دیگر چقدر بیشتر از سود ربای مشتریان خواهد بود، و برای اثبات گفتار ما کافی است که افراد مطلع صورت درآمدهای سالیانه بانکهای موجود را ببینند.

برای نمونه اگر فرض کنیم که مشتریان یک بانک ده هزار نفر باشد، بان ربا خوار از ربای وامهای این عده اگر به فرض سالیان یک میلیون تومان سود ببرد، وقتی این عده به بانک اسلامی مراجعه کنند بدون شک سالیانه بانک اسلامی این مبلغ یک میلیون تومان ربا را خسارت خواهد نمود، اما چون بانک اسلامی مشتریانش حداقل دو برابر دیگر بانکها خواهد شد، از معاملات مختلف آن ده هزار نفر اضافی دیگر، سالیانه بیش از یک میلیون تومانی که خسارت نگرفتن ربا داشت سود خواهد برد؟ حکم وامی که از بانک اسلامی گرفته‌اند:

وامی را که بانک اسلامی به مشتریان خود می‌دهد معمولاً بر دو نوع است:

۱. عده‌ای این وام را به منظور نیازمندیهای زندگی می‌گیرند، و قرض کننده پس از مدتی وامی را که گرفته است تحویل بانک اسلامی خواهد داد، بدون آنکه بانک اسلامی سودی از او مطالبه کند.

۲. اما اگر قرض کننده بخواهد به منظور تجارت از بانک اسلامی وام بگیرد، قهراً از این پول هرچه سود ببرد از نظر حکم شرعی مال خود اوست، اما بانک اسلامی حق دارد که برای تجارت به افراد وام ندهد، بلکه با آنان قرار داد مضاربه منعقد کند، که با پول بانک تجارت کند و هرچه سود تجارت او بود سهمی مشاع از آن سود متعلق به بانک اسلامی باشد. مثلاً: بازرگانی می‌خواهد از خارج جنسی وارد مملکت کند؛ و برای این منظور آمده است که از بانک اسلامی وام بگیرد، بانک اسلامی می‌تواند به او بگوید: ما این سرمایه را به عنوان قرض به شما نمی‌دهیم که تمام سودهای آن مربوط به شما باشد. بلکه با شما قرار داد مضاربه می‌بندیم بدین ترتیب که سرمایه از ما باشد، وارد کردن جنس و فروش آن به عهده شما و هرچه در این بین سود عاید سرمایه شد بین ما به نسبت معینی تقسیم شود (بسته به رضایت طرفین) نصف به نصف؛ یا یک سوم و دو سوم، یا یک چهارم و سه چهارم، یا به نسبت کمتر یا بیشتر بنا به رضایت طرفین و مصالح عمومی بانک و شخص بازرگان البته در مورد افراد مختلف نظر بانک اسلامی اختلاف پیدا می‌کند و همیشه بانک اسلامی دقت می‌کند که میزان استفاده‌اش از قرض دادن به شخصی و مضاربه دادن به او کدام یک برای بانک مفید است؛ برخی افرادند که وام دادن به آنان برای بانک اسلامی چندان سودی نخواهد داشت.

بانک اسلامی با اینگونه افراد قرار داد مضاربه می‌بندد و تحت عنوان (قرارداد مضاربه) سرمایه به آنان می‌دهد و طبق رضایت خود و طرف به نسبت معینی از او سود سرمایه را دریافت می‌کند، و به این گونه افراد به عنوان (قرض) پولی نمی‌دهد. اما گاهی ممکن است شخصی به بانک اسلامی مراجعه کند و از بانک (وام) بخواهد، که بانک اسلامی از وام دادن به او بیشتر استفاده کند تا مضاربه با او. مانند افراد سرشناسی که بودن نامهای آنان در لیستهای بانک اسلامی موجب رغبت و توجه مردم به سوی بانک خواهد شد، و بدین وسیله عده‌ای حسابهای خود را از بانکهای دیگر بیرون کشیده به بانک اسلامی منتقل سازند.

یا اینکه مراجعه کننده کسی باشد که معاملاتش در بانکهای رباخوار است، بانک اسلامی به این فرد یک قلم وام می‌دهد تا او را جلب کند و مشتری خود سازد، تا حسابهای خود را از بانکهای دیگر به بانک اسلامی انتقال دهد، یا افرادی از این قبیل.

بانک اسلامی به اینگونه افراد وام می‌دهد، و قهراً تمامی سودهای حاصله از این سرمایه مربوط به شخص قرض کننده خواهد بود، و بانک اسلامی از سود او سهمی نخواهد داشت.

۲ وامی که بانک اسلامی می‌گیرد؟

بانک اسلامی هم از مردم وام می‌گیرد، ولی به آنان بهره نخواهد داد، و قرضی را که بانک اسلامی از مردم می‌گیرد میزان و مدت آن را طبق مصالح بانک محدود خواهند کرد. ممکن است برخی افراد تصور کنند که چون بانک اسلامی در مقابل وامهائی که می‌گیرد به کسی بهره نمی‌پردازد قهراً کمتر کسانی حاضر می‌شوند به بانک اسلامی وام بدهند زیرا مردم معمولاً اموال خود را به کسانی قرض می‌دهند که سودی برای آنان داشته باشد، و به کسانی که تنها اصل سرمایه را به آنان برمی‌گردانند وام نخواهند داد. اما این خیال اشتباه است، زیرا اگر توجه بیشتری در وضع بانک اسلامی داشته باشیم خواهیم دانست که این تصور در مورد بانک اسلامی واقعیت ندارد. به جهت آنکه تسهیلات دیگری که بانک اسلامی برای مشتریان خود دارد، موجب خواهد شد که خود به خود اموال خود را در مواقع احتیاج در اختیار بانک اسلامی بگذارند.

و اگر بانک اسلامی هیچ طریق دیگری برای جلب وام‌های مردم نداشته باشد، همین قرضهای بی‌ربائی که به آنان می‌دهد برای جلب وام از آنان کافی است.

زیرا بانک اسلامی می‌تواند اعلان کند که در درجه اول به کسانی وام بازرگانی خواهد داد که هنگام احتیاج بانک آنها نیز به بانک اسلامی وام بدهند، و این خود بهترین محرک مردم است که در مواقع احتیاج بانک وام در اختیار بانک بگذارند تا از این راه مورد توجه بانک قرار گیرند و بعداً در موقع نیازمندی‌های تجاری و غیره بتوانند وام بیشتری از بانک اسلامی دریافت کنند. و نیز بانک اسلامی می‌تواند نسبت عامی برای مشتریان خود تهیه کند و به میزان نسبتی که از مشتریان خود وام می‌گیرد به همان نسبت هم به آنان وام بدهد، و این نسبت خود، افراد را وادار می‌کند که در قرض دادن به بانک پیشقدم شوند. یا اینکه بانک برای مشتریانی که می‌خواهد از آنان وام بگیرد امتیازات بیشتری بر سایر مشتریان تعیین کند، با اینکه داد و ستدهای او را بیشتر بپذیرد و یا وامهائی که به او می‌دهد دیرتر از دیگران از او پس بگیرد و از این قبیل تسهیلات و امتیازات که موجب می‌شود خود مشتری بخاطر اینگونه امتیازات با میل و رغبت به بانک اسلامی وام بپردازد.

همانگونه که بانک اسلامی می‌تواند برای کسانی که در مواقع لزوم به بانک اسلامی قرض می‌دهند بدون شرط قبلی جوایز نقدی مخصوص و یا هدایائی در نظر بگیرد که این جوایز و هدایا بیش از میزان ربائی باشد که افراد از وام دادن به بانکهای رباخوار دریافت می‌کنند، و این نیز خود وسیله دیگری است که افراد را وادار می‌کند که بخاطر دریافت آنگونه جوایز به بانک اسلامی وام بدهند.

و از این نوع راههای مشروع که گاهی بانکهای دیگر و سایر مؤسسات اقتصادی جهان از آن طریق اقدام می‌نمایند بنابراین بانک اسلامی با این راه حل‌ها که اشاره شد و نظایر آن در عین حال که توانسته است به قانون اسلام در منع ربا عمل کند، می‌تواند چرخ اقتصادی خود را به نحوی که سزاوار است و می‌خواهد بگرداند، و از طرفی هم مشتریان خود را نیز حفظ کرده، و نسبت به دیگر بانکها بر تعداد مشتریان خود افزوده باشد.

پس از آنکه بانک اسلامی از کسانی وامهائی گرفت، اگر از نظر اقتصادی بخواهد از این سرمایه سودی ببرد، می‌تواند این سرمایه را به مشتریان دیگر نه به صورت وام، بلکه به عنوان عقد (مضاربه) تحویل دهد، و باطراف خود به نسبت معینی شرط سود از تجارت با این سرمایه نماید.

ولکن این عمل در مورد وامهای تجارتي است که بانک اسلامی به کسانی از بازرگانان می‌دهد. اما در مورد وامهائی که بانک اسلامی برای رفع نیازمندی‌های ضروری زندگی به افراد می‌دهد، از این وامها انتظار سود داشتن کاری است بر خلاف وجدان و انسانیت، که قبلاً در اول کتاب مقداری درباره آن گفتگو شد.

بانک اسلامی سپرده های مردم را می پذیرد.

سپرده‌ها عبارتند از اموال و پولهایی که مردم به منظور حفاظت و جلوگیری از اتلاف آنها به عنوان امانت به بانک می سپارند. سپرده‌ها را می توان به دو نوع تقسیم نمود:

نوع اول: سپرده‌هایی که پول نیست، مانند سند های ملکی، جواهرات گران قیمت؛ و چیزهایی از این نوع، از اینگونه سپرده‌ها بانک اسلامی به دو طریق می تواند استفاده کند:

۱. در مقابل نگاهداری این اشیاء بانک اسلامی اجرتی برای خود دریافت نماید.

۲. از اعتبار این اجناس استفاده کند، با اینکه قیمت این اجناس را به موجودی نقدی خود اضافه کند، که قهرا وقتی اعتبار بانک بیشتر شد، بهتر می تواند با سایر بانکهای جهانی معاملات مختلفی انجام دهد؛ زیرا هر اندازه اعتبار بانک بیشتر باشد قدرت بیشتری در اجرای معاملات خواهد داشت.

نوع دوم: سپرده های پولی از پولهایی که در بازارها رواج دارد، مانند (ریال) دینار، لیره، لیره استرلینک و ... اینگونه سپرده‌ها گرچه بانک اسلامی از نظر شرعی حق دارد در مقابل نگاهداری آنها اجرتی از صاحبان آن مطالبه نماید، ولی از این جهت که دیگر بانکهای موجود در مقابل اینگونه سپرده‌ها نه تنها چیزی نمی گیرند، بلکه چند درصدی هم به عنوان بهره سپرده‌ها به حساب آنان اضافه می کنند.

اما وامهای بدون بهره که بانک اسلامی به صاحبان سپرده‌ها می دهد، و یا جوائزی که برای صاحبان حسابها تعیین خواهد کرد موجب جلب ودیعه‌ها خواهد شد.

۴ مضاربه بانک اسلامی با مشتریان

۴ مضاربه بانک اسلامی با مشتریان

بانک اسلامی با مشتریان خود مضاربه می نماید، و مقداری سرمایه به آنان می دهد تا با آن تجارت و داد و ستد کنند، و اگر روی هم رفته حساب کنیم، سودی که بانک اسلامی از طریق مضاربه به دست می آورد بیشتر از سودی است که بانکهای فعلی از طریق ربا بدست می آورند، البته پس از دقت در مطالب ذیل این معنا به خوبی روشن خواهد شد:

۱ بانک اسلامی می تواند با عامل خود شرط کند که در حدود معینی به تجارت معینی اقدام کند. مثلا بانک اسلامی حق دارد سرمایه به عامل خود بدهد، و با او شرط کند که تنها در قسمت طلا یا در قسمت قماش؛ یا در قسمت سیمان یا ... داد و ستد نماید. و نیز صاحب سرمایه می تواند با عامل خود محدودیتهای دیگری را شرط کند مثلا بانک اسلامی می تواند با عامل خود شرط کند که تنها کالاهای ممالک اسلامی را وارد کند یا شرط کند که تنها در بهار معامله کند نه در پاییز.

و یا آنکه شرط کند که فقط در شرکتهای سهامی سرمایه گذاری کند، یا شرط نماید که به تنهایی خودش تجارت نماید. طبیعی است که بانک اسلامی همانند دیگر بانکها همیشه آگاهی کامل از وضع بازارهای جهانی خواهد داشت و به دنبال سود بیشتری است، و برای عاملان خود در مضاربه و داد و ستدها حدود و چگونگی و خصوصیات را که موجب سود بیشتر است قبلا تعیین می کند. بنابر این فرمان تجارتهایی که عاملان با سرمایه بانک اسلامی انجام می دهند در دست بانک اسلامی است، و به هر سو که سود بیشتری باشد عامل خود را هدایت می کند؛ در نتیجه بانک اسلامی دارای یک بازرگانی قوی و عالی خواهد شد.

و در عین حال بانک اسلامی بوسیله وامهایی که به منظور تجارت به افراد و مؤسسات می دهد، بازرگانی را در سطحهای گوناگونی وسعت داده است.

محدود ساختن وامها

۲ بانک اسلامی می‌تواند اعلان کند که وامهای بدون ربا را که به افراد می‌دهد در درجه اول تنها به مشتریان خود می‌پردازد، یا اینکه میزان وامی که به مشتریان خود می‌پردازد چندین برابر وامی است که به دیگران خواهد شد، و همین خود موجب می‌شود که مردم به خاطر وامهای بی بهره بانک اسلامی مشتری این بانک شوند، زیرا بانک اسلامی در سایر معاملات با بانکهای دیگر فرقی ندارد، به اضافه اینکه بانک اسلامی در مواقع احتیاج و فقر و یا مشکلات مالی دیگر که همه گرفتار آن خواهند شد به آنان وامهای بی بهره خواهد داد. با این روش مشتریان بانک اسلامی از بانکهای دیگر خیلی بیشتر خواهد شد. قهرا مضارباتی که بانک اسلامی با مشتریان خود ترتیب می‌دهد بیش از سایر بانکها بازارهای تجارتي را قبضه خواهد نمود.

سود بیشتر

۳ بدین ترتیب معاملات بانک اسلامی بیشتر خواهد شد، که در نتیجه سود بیشتری هم خواهد داشت، زیرا این یک قانون اقتصادی است که (هرچه سرمایه بیشتر گردش داشته باشد سود آن بیشتر خواهد شد) برای آنکه مشتریان بانک بیش از آنچه به عنوان وام می‌گیرند معاملات خواهند داشت، چون وامهایی که برای رفع احتیاج گرفته می‌شود از وامهایی که به منظور تجارت می‌گیرند کمتر است، به علت آنکه احتیاجات مالی اتفاقی است بر خلاف تجارت و معاملات که همیشگی می‌باشد.

تقسیم سود مضاربه

۴ در قرارداد مضاربه سود بین صاحب سرمایه (بانک اسلامی) و عامل به نحو مشاع تقسیم خواهد شد، البته بستگی به توافق طرفین دارد، مثلاً نیمی از سود سرمایه برای صاحب سرمایه و نیم دیگر برای عامل، یا یک سوم سود برای صاحب سرمایه و دو سوم دیگر برای عامل، یا یک چهارم سود برای صاحب سرمایه و سه چهارم دیگر برای عامل و ... اختیار تقسیم سود به دست هر دو طرف است که پیش از عقد مضاربه با همدیگر قرار می‌گذارند.

در اینجا دقت اسلام در تشریح قوانین اقتصادی به خوبی روشن خواهد شد، و معلوم می‌شود که اسلام در تشریح این قانون چقدر دوراندیش بوده است، آری اسلام در تمامی قوانین و دستوراتش اینگونه دقیق و موشکاف است. علت اینکه اسلام سود مضاربه را میزان ثابتی تعیین نکرده، و به رضایت طرفین واگذار نموده است؛ آن است که لیاقت و جریزه افراد به حسب عقل و هوش و درک آنان مختلف است، گاهی ممکن است در یک نفر از این اندازه لیاقت باشد که از سرمایه صد در صد سود بدست آورد، یا دو برابر سرمایه سود به چنگ آورد، زیرا عقل تجاری و هوش داد و ستد در او سرشار است. و دارای درک فوق العاده و پشت کار بسیار می‌باشد.

و گاهی یک نفر آنقدر لیاقت ندارد که حتی از سرمایه بیست درصد هم سود بدست آورد، برای آنکه دارای عقلی سطحی و هوشی اندک است، و در کار تنبل است و دارای پشتکار نمی‌باشد.

همین حالا که مشغول نوشتن بودم، دو نفر از خاطر گذشت که در یک خانواده و با هم بزرگ شده‌اند. و با هم تحصیل کرده‌اند، و سنشان هم به یک اندازه است، ولی یکی از آن دو میلیونر است، و آن دیگری اگر روزی، کار نکند شام شب ندارد. با این همه اختلاف که از نظر عقل و هوش و درک بین افراد است، آیا سزاوار بود اسلام حکم کند، که همگی به یک اندازه در سود سرمایه شریک باشند؟

نه خیر!

روی این حساب اسلام سهم طرفین را از سود سرمایه تعیین نکرده است، و سود را بین آنان مشاع قرار داده است، و تعیین میزان سود را به طرفین واگذار نموده که به هر طریق توافق کردند میزان سهم مشاع خود را تعیین کنند.

سود، محصول دو عامل است

۵ در این قسمت نیز نکته مهمی است که با توجه به آن دقت اسلام در قانونگذاری روشن می‌شود، و نکته در این بود که سود سرمایه باید به نظر طرفین تعیین شود، نه به نظر یک طرف. و علت این موضوع آن است که سود محصول دو عامل است، که هر یک از آن دو مربوط به یکی از دو طرف مضاربه می‌باشد:

سرمایه که اگر سرمایه نباشد سودی بدست نمی‌آید.

کار که اگر فعالیت عامل نباشد سودی در بین نخواهد بود. اینکه که سود محصولی است از دو طرف، باید هر یک از این دو و حق داشته باشند با توافق طرف برای خود چه مقدار سود در نظر بگیرند.

و همین آزادی باعث می‌شود که در اینگونه معاملات بیش از ربا سود بدست آید.

زیرا عامل توجه دارد مقدار سودی که به او خواهند داد بستگی به کار و فعالیت بازرگانی بیشتر او دارد، قهرا بر کوشش خود خواهد افزود، و فکر خود را بیشتر بکار بسته با دقت و کوشش بیشتری بکار خواهد پرداخت تا سود بیشتری بدست آورد. و از طرفی بانک اسلامی به نوبه خود سعی می‌نماید که عاملین هوشیار و نیرومندی را برای خود انتخاب کند تا از پرتو آنان سودی بیشتری بدست آورد.

اما ربا فاقد این محسنات است، زیرا مقدار سود در ربا معلوم است، بنابر این بانک اگر از طریق ربا معامله کند دیگر در فکر انتخاب افراد هوشیار و فعال نیست، تا در نتیجه افراد تنبل و کودن وادار به فعالیت و کوشش بیشتری شوند. زیرا سود ربا ثابت و تضمین شده است، چه سرمایه بانک در دست افراد فعال بیفتد یا در دست افراد تنبل.

و از طرفی اگر سهمیه عامل از سود تجارت مقدار مشاع از سود نبود، عامل نیروی خود را بکار نمی‌انداخت، زیرا هر چه بیشتر بکوشد سودش ثابت است. و شاید این ماده از قوانین اقتصادی اسلام در باب مضاربه از مهمترین مواد در اقتصاد جهان باشد، و این ماده عبارت بود از اینکه: (باید میزان سود طرفین میان بانک اسلامی و عامل بازرگانی به حسب اختلاف افراد و بازارها طبق توافق طرفین باشد).

ما این قسمت را در اصل کتاب (اقتصاد) ضمن برخی از فصلها با تفصیل بیشتری مورد بحث قرار داده‌ایم.

سود مضاربه بیش از ربا است

مضاربه دارای سودی بیشتر از ربا است، پس از آنکه به نکات ذیل توجه کنیم؛ این معنا برای ما روشن خواهد شد:

نکته اول: سود بازرگانی اغلب بین ۲۰٪ و بیشتر از آن است؛ اگر دفاتر محاسباتی بازرگانان را ملاحظه کنیم؛ و یا به دفاتر شرکتها و دیگر مؤسسات اقتصادی نظر کنیم خواهیم دید که ۶۰٪ از معاملات یا بیشتر از آن بیش از ۲۰٪ سود برده است. برای اینکه در این نکته بیشتر دقت کرده باشیم می‌توانیم به یک نفر از بازرگانانی که می‌شناسیم مراجعه کنیم و دفاتر او را ببینیم، یا از او در این باره جویا شویم.

نکته دوم: تجارت به هر اندازه‌ای که از آزادی برخوردار باشد؛ به همان میزان از سود بیشتری برخوردار خواهد شد، و روی همین حساب ممالکی که قیود تجاری در آن کمتر است، بازرگانان آنجا سود بیشتری خواهند برد، زیرا این یک قانون مسلم بازرگانی است: (هر اندازه سرمایه بیشتر گردش کند سود آن بیشتر خواهد بود).

همین تازگی برای ما نقل کردند که شخصی فقیر توانسته است در کشوری که بازرگانی در آنجا نسبتاً آزادی بیشتری دارد، در ظرف مدت پانزده سال خود را از فقر نجات داده میلیونر شود. در صورتی که اگر این شخص در کشوری بود که از آزادی بازرگانی برخوردار نیست، امکان نداشت یکباره این اندازه ترقی کند.

نکته سوم: شکی نیست که آزادیهای دیگر هم در ازدیاد سود بازرگانی تاثیر فراوان دارد.

برای نمونه آزادی در سفر و اقامت موجب می‌شود که بازرگان برای بدست آوردن سود، بیشتر دستش باز باشد تاجر که از این لحاظ آزاد باشد هر وقت بخواهد می‌تواند مسافرت کند، و به هر جا که بخواهد می‌تواند برود؛ و در هر نقطه که بخواهد می‌تواند هر اندازه که لازم باشد توقف نماید. در حالی که تاجر مقید که محدود در سفر یا در اقامت است نمی‌تواند به اختیار خود سفر برود، و یا در مکانی به اختیار خود اقامت نماید؛ این تاجر قهراً با این محدودیتها نمی‌تواند به اندازه تاجر آزاد سود بدست آورد.

و همچنین آزادی دو نوع معامله مانند خریداری زمین، خانه، بستان، و آزادی ساختمان، یا کشاورزی در زمین و دیگر آزادیهای که خداوند به انسان عطا فرموده است، بدون شک این آزادیها موجب می‌شود که از تجارها سود بیشتری بدست آید.

نتیجه:

با توجه به این سه نکته می‌توانیم ثابت کنیم که از راه مضاربه که یکی از معاملات اسلامی است انسان می‌تواند بهترین سود را بدست آورد، زیرا انسان در پرتو اسلام از هر نوع آزادی در تمامی قسمتهای بازرگانی برخوردار خواهد بود، علاوه بر قسمت بازرگانی اسلام به پیروان خود در تمام شئون فردی و اجتماعی زندگی هم آزادی داده، که این آزادیها خود در سود بدست آمدن سود سهم بسزائی دارد.

اگر فرض کنیم که ۶۰٪ از تجارت های دیگر ۲۰٪ سود دارد، شاید بتوانیم بگوییم که مضاربه در پرتو اسلام مانند هر تجارت دیگر اسلامی اکثراً ۸۰٪ یا بیشتر سود خواهد داشت.

۵ مضاربه بازرگانان با بانک اسلامی

بازرگانان و افراد سرمایه دار هم می‌توانند با بانک اسلامی مضاربه کنند، بانک اسلامی از آنان سرمایه می‌گیرد تا با آن تجارت کند، و سود آن بین تاجر و بانک مشاع خواهد شد، نصف به نصف یا یک سوم و دو سوم یا بیشتر یا کمتر، طبق قراردادی که بین سرمایه دار و بانک اسلامی بسته خواهد شد. این نیز برای بانک اسلامی وسیله بدست آوردن سودهایی خواهد شد، همانگونه که در فصل سابق تحت عنوان (مضاربه بانک اسلامی با مشتریان) بیان گردید.

۶ تجارت با سرمایه

بانک اسلامی مقداری از سرمایه خود را همیشه برای بدست آوردن سودهایی در تجارت گردش می‌دهد، و نتیجه این عمل سه امر اقتصادی مهم خواهد بود:

اول: همیشه بانک اسلامی سود بدست می‌آورد، زیرا سرمایه‌اش در بانک‌های مختلف، و شرکتهای گوناگون به گردش خواهد افتاد، و هر اندازه که گردش سرمایه بیشتر شد سود آن بیشتر خواهد شد، همانگونه که در بحثهای گذشته گفتیم. علاوه بر این سودهای مدام که بانک اسلامی بدست می‌آورد، همه ساله به اصل سرمایه افزوده خواهد شد، و مرتب اقتصاد بانک پیشرفت خواهد نمود.

دوم: باز کردن اعتبارهایی در بانک‌های جهانی، و این مسئله از نظر اقتصادی بسیار مهم است، زیرا بانک اسلامی در اثر معاملاتی که با سایر بانکهای جهان خواهد داشت، در تمامی بانکها دارای اعتبار بازرگانی شده برای تجارت، و واردات و صادرات، به هر

طریق و به هر جای عالم که بخواهد دست پیدا می‌کند.

سوم: بانک اسلامی بدین وسیله می‌تواند از هر کشوری سود بازرگانی بدست آورد، زیرا هر بانکی به هر اندازه که در بانکهای دیگر اعتبار داشته باشد و با اعتباراتش معامله انجام دهد، به همان نسبت از سود بیشتری برخوردار خواهد شد، زیرا بانک اسلامی می‌تواند در ممالکی که اعتبار بانکی دارد بوسیله این بانکها حواله بدهد، و حواله بگیرد، و نیز از همین طریق به آن کشورها جنس صادر کند؛ و از آن کشورها جنس وارد کند، و از این راه سرمایه‌ی بانک اسلامی در بازارهای بازرگانی جهان به گردش افتاده موجب سود هرچه بیشتری برای بانک خواهد شد.

۷ نمایندگی در مضاربه

بانک اسلامی گاهی هم در مضاربه بین سرمایه داران و عاملان نقش نمایندگی را ایفا می‌کند، و نمایندگی بانک به دو شکل انجام می‌گیرد:

۱. بانک از طرف صاحبان سرمایه و تجار و کالت داشته باشد که سرمایه‌های آنان را تحت عنوان: (قرارداد مضاربه) به عاملین بازرگانی بدهد، با عامل قرارداد کند که سود سرمایه، او و صاحب سرمایه به نسبت معینی مشاع باشد.

۲. بانک اسلامی از طرف عاملین و کالت داشته باشد که از صاحبان سرمایه و بازرگانان برای آنان به طریق مضاربه سرمایه تهیه نماید، و سود سرمایه نیز میان عاملین و صاحبان سرمایه به نسبت معینی مشاع باشد.

از طرفی سرمایه دارانی هستند که میل دارند با عاملین بازرگانی مضاربه کنند، و لکن از درجات عقل و هوش عاملان و نیروی آنان خیر ندارند؛ لذا سرمایه خود را در اختیار بانک اسلامی قرار می‌دهد، تا برای آنان عاملین بهتری را که در تجارت مهارت بیشتری داشته باشند پیدا کند، تا برای آنان تجارت کنند، و سود سرمایه را بین خود تقسیم کنند.

و از آن جهت که بانک اسلامی عاملین را خوب می‌شناسد و با آنان معاملات بسیاری کرده است، عقل و هوش و نیروی آنان را قبلاً سنجیده است.

از طرف دیگر عاملینی هستند که آمادگی فعالیت در عقد مضاربه دارند؛ و لکن نمی‌دانند کدام سرمایه دار آمادگی مضاربه دارد؛ لذا به بانک اسلامی مراجعه می‌کنند تا برای آنان افراد ثروتمندی پیدا کند که مایل به مضاربه باشند. واسطه‌گری بانک میان صاحبان سرمایه و عامل به یکی از این دو قسم خواهد بود.

قسم اول آنکه بانک اسلامی تنها میان صاحب سرمایه و عامل رابط باشد، و برای هر یک از دو طرف میزان اعتماد خود را به طرف دیگر بیان کند، و بی آنکه بانک اسلامی در قرارداد آنان دخالتی داشته باشد سرمایه دار و عامل قرارداد مضاربه را می‌بندند.

قسم دوم آنکه بانک اسلامی از طرف هر دو یا یک طرف وکیل مختار باشد، و عقد مضاربه را به عنوان وکالت از آنان با شرائط و قیدهایی که خود صلاح می‌داند اجرا کند. بانک اسلامی حق دارد با سرمایه داران یا عاملین، در مقابل واسطه‌گری خود شرط سودی بنماید. و بانک می‌تواند این سود را میزان معینی شرط کند.

بنابراین بانک اسلامی به عنوان حق وکالت یا واسطه‌گری می‌تواند ۱٪ یا بیشتر از صاحبان سرمایه و ۱٪ یا بیشتر از عاملین برای خود شرط کند.

و نیز بانک اسلامی می‌تواند سود خود را میزان مشاعی از سود سرمایه قرار دهد.

بنابراین قرارداد می‌کند: در مقابل وکالتی که انجام می‌دهد از صاحب سرمایه و عامل ۲٪ از مجموع سود سرمایه یا بیشتر یا کمتر متعلق به بانک اسلامی باشد. البته همه این قراردادها طبق توافق بانک اسلامی با صاحب سرمایه و عامل انجام خواهد گرفت.

۸ ارسال حواله جات

یکی از کارهای بانک اسلامی ارسال حواله‌جات است. بانک اسلامی پولها و ثروتهائی را از محل خود می‌گیرد؛ و به شهرها و یا ممالک دیگر می‌فرستد، البته با مشخصات مورد نظر که از نظر زمان چه وقتی پرداخت شود؟ آیا تمام پول را یکباره تحویل طرف بدهد یا چند مرتبه؟ در مواقع معینی پرداخت شود و یا در اوقات غیر معین؟ و نیز برای صاحبان سرمایه در کشورهای دیگر اعتبار بانکی باز می‌کند، یا برای صاحب سرمایه که با دیگری حساب قبلی داشته است تصفیه حساب کند، یا از صاحب پول هدیه‌ای برای طرفش حواله دهد؛ یا به عنوان کادو و سوغات برای دوستان مشتری خود حواله بفرستد، یا برای خویشاوندان او حواله‌ای بفرستد و از این قبیل حواله‌جات.

همه این حواله‌ها از نظر اسلام بی مانع است (اما به شرط آنکه این حواله‌جات مربوط به معاملات ربوی یا کالی به کالی و دیگر معاملات حرام نباشد).

و برای بانک اسلامی جایز است که در مقابل اینگونه حواله‌جات برای خود سودی در نظر بگیرد، و این سود برای بانک مشروع است، زیرا در مقابل عملی که انجام می‌دهد، پول می‌گیرد؛ و از نظر اسلام کار محترم است، و جایز است کار با پول مبادله شود. و نیز بانک اسلامی می‌تواند قرارداد کند که سود خود را از حواله دهنده، یا گیرنده حواله، یا بانکی که به وسیله او حواله شده است بگیرد.

چه آنکه این بانک بانک اصلی و مستقل باشد، یا و چه شعبه‌ای از یک بانک باشد. و چه آنکه هر دو بانک شعبه بانک دیگری باشند. یا صورتهای دیگری که در این مورد تصور می‌شود.

۹ پذیرفتن حواله‌جات وارده

و نیز بانک اسلامی حواله‌جات وارده را می‌پذیرد، چه آنکه حواله از بانکهای دیگری باشد، یا از افرادی باشد که اگر در بانک اسلامی موجودی ندارند، مورد اعتماد باشند. اینجا نیز بانک اسلامی حق دارد در مقابل کار خود سودی مطالبه کند، و می‌تواند کارمزد خود را به حساب حواله دهنده بگذارد، یا از گیرنده حواله بگیرد، یا بین دو طرف تقسیم کند. بقیه مطالب همانگونه است که در فصل گذشته تفصیل داده شد.

۱۰ رهن

معاملات رهنی بانک اسلامی در دو بخش انجام خواهد گرفت:

۱ رهن دادن: بدین ترتیب که بانک اسلامی در مواقعی که احتیاج دارد، اموال و اجناسی را که دارد در مقابل مبلغی پول نزد افرادی به عنوان وثیقه می‌گذارد. این عمل را بانک اسلامی در صورتی انجام می‌دهد که بخواهد کار مشتریان خود را راه بیندازد؛ یا سطح موجودی خود را بالا ببرد، یا به خاطر هدفهای دیگری که گاهی ممکن است بانک به پولهای بیشتری نیازمند باشد. بانک اسلامی می‌تواند املاک خصوصی خود را که مالک آنها است رهن بدهد؛ و نیز می‌تواند از املاک و اجناسی که دیگران به عنوان رهن در بانک اسلامی دارند رهن بدهد، اما به شرطی که قبلاً با صاحبان این اموال شرط کرده باشد که به عنوان رهن در اموالشان تصرف کند؛ و نیز اجناسی که از دیگران به عنوان امانت در بانک اسلامی موجود است در صورت رضایت صاحبانش بانک می‌تواند آنها را نیز رهن بدهد.

۲ رهن گرفتن: بدین ترتیب که بانک اسلامی از مشتریان خود املاک و اموالشان را در مقابل مبلغی پول که به آنان می‌دهد رهن

می‌گیرد.

بانک اسلامی با اینگونه افراد که مراجعه می‌کنند حق دارد شرط کند که در طول مدت رهن در اموالشان تصرف نماید، و این شرط برای بانک اسلامی چند فایده دارد.

الف. طبق معمول قیمت املاکی که نزد بانک رهن می‌گذارند بیشتر از مبلغی است که بانک به آنان می‌دهد، مثلاً بانک مبلغ بیست هزار تومان به طرف می‌پردازد، اما از او معمولاً ساختمانی به رهن می‌گیرد که قیمت آن صد هزار تومان می‌باشد، بنابراین بانک اسلامی این خانه را به موجودی خود اضافه می‌نماید، و قهراً با این عمل موجودی بانک بالا رفته، و در نتیجه میزان اعتبار بانک در عالم اقتصاد بیشتر خواهد شد. روی این حساب در معامله فوق از طرفی بیست هزار تومان از موجودی بانک اسلامی کسر شده، اما از طرف دیگر صد هزار تومان بر موجودی بانک افزوده شده است.

ب. بانک اسلامی با صاحب خانه شرط می‌نماید که حق داشته باشد در خانه تصرف نماید، به دنبال این شرط، بانک اسلامی خانه مزبور را اجاره می‌دهد، و مال الاجاره خانه برای بانک اسلامی خود سود قابل توجه دیگری است.

ج. با انجام معاملات رهنی بانک اسلامی برای خود مشتریان جدیدی به دست می‌آورد، و این خود سود سومی است.

۱۱ وامهای معمولی

این بحث همان بحثی بود که قبلاً در ابتدای کتاب تحت عنوان (وام بی بهره) درباره آن گفتگویی شد، اما آنچه که در اینجا می‌خواهیم بدان اشاره نمائیم، علاوه بر مطالب گذشته فرقهائی است که میان بانک اسلامی و دیگر بانکها وجود دارد:

بانک اسلامی هنگامی که وامهایی معمولی نه تجارتي به فردي محتاج می‌دهد، این وام را بر اساس (قرض الحسنه اسامی) می‌پردازد که در مقابل آن به غیر از رضایت الهی نظری دیگر در بین نیست؛ زیرا وظیفه هر انسانی است که هنگام نیازمندی به برادر خود به هر طریق که می‌تواند یاری دهد. بنابراین وامهای معمولی در بانک اسلامی منحصر به مشتریان خودش نیست، بر عکس بانکهای موجود که هر نوع وامی را تنها به مشتریان خود خواهند داد. پس بانک اسلامی همانگونه که وامهای معمولی را به مشتریان خود می‌دهد، بدون هیچ گونه تفاوتی به دیگران هم وام خواهد داد. اما بانکهای موجود تنها به مشتریان خود وام می‌دهند، و افراد دیگر هر چند هم که نیازمند باشند از وام آنها بهرمنند نخواهند شد. بله بدون شک وامهای معمولی در بانک اسلامی بی حد و مرز و بی حساب نخواهد بود، بلکه به خاطر وضع مالی بانک این وامها از نظر اندازه آن؛ و شخصیت گیرنده وام، و میزان صلاحیت او مورد مطالعه قرار می‌گیرد. همانگونه که همه این ملاحظات در بانکهای فعلی خواهد شد. و بانکهای امروزی (وامهای معمولی) خود را که تنها به مشتریان خود می‌پردازد؛ درباره مقدار وام، و شخصیت گیرنده وام، و میزان صلاحیت او مطالعه خواهد نمود، و به خاطر وضع مالی بانک و هدف استثماری خود هم این وامها را می‌پردازند. روی این حساب فرقی که بین بانک اسلامی و دیگر بانکهای معاصر موجود است، آن است که بانک اسلامی (وامهای معمولی) را بر اساس انسانیت، و برادری و نوع دوستی می‌پردازد. در حالی که بانکهای معاصر بر اساس اقتصاد محض، و تنها به خاطر سود مادی، دور از مفهوم انسانیت به طرف خود وام می‌دهد.

۱۲ باز کردن اعتبار

(کردیت)

باز کردن اعتبار بدین طریق است که بانک اسلامی مقدار معینی پول را در ظرف مدتی معین شش ماه، یکسال، کمتر یا بیشتر، در اختیار مشتری خود یا هر کسی که برایش اعتبار باز می‌کند بگذارد.

مشتری که اعتبار برای او باز شده حق دارد این مبلغ را یکبار یا در زمانهای متعدد چندین بار از بانک بگیرد. البته این قبیل اعتبارها

(و کردیت‌ها) در بانک اسلامی برای کسانی باز می‌شود که در بانک موجودی ندارد، اما از طرف کسی که در بانک موجودی دارد برای این شخص اقدام به گرفتن اعتبار بانکی شده است، مثلاً کسی که بیست هزار تومان موجودی در بانک دارد، برای دوست خودش ده هزار تومان اعتبار باز می‌کند. یا اینکه باز کننده اعتبار از افراد سرشناسی باشد که بانک از عنوان و شخصیت او استفاده می‌کند، یا اینکه رابطه او و بودن نامش در لیست مشتریان بانک اسلامی سبب جلب مشتریان دیگری برای بانک خواهد شد، مثل آنکه شخص مزبور یکی از علمای بزرگ باشد، یا از حکام و فرمانروایان و متنفذین محل باشد، و از این قبیل افراد. یا اینکه خود دارای موجودی است اما نمی‌خواهد از موجودی خود برداشت کند، زیرا معاملات دیگری را دارد که روی آن موجودی انجام داده است؛ یا بخاطر کسب اعتبار در بانکهای دیگر در بانک اسلامی اعتبار باز می‌کند، تا بتواند بدین وسیله در بانکهای دیگر هم اعتبار بانکی درست کند، و یا بخاطر علت‌های مختلف دیگری که از نظر نظام بانکی معلوم است. بانک اسلامی در تمامی اینگونه حالات برای افراد معین در مدت‌های تعیین شده اعتبار باز می‌کند.

سود این اعتبارات:

در اینجا یک پرسش خود نمائی می‌کند و آن اینکه: آیا برای بانک اسلامی درست است از کسانی که برای آنان اعتبار داده است در مقابل عملیات خود چیزی به عنوان سود نقدی و بهره مطالبه نماید، و این سود از نظر شرعی (ربا) است و حرام خواهد بود؟

پاسخ این پرسش:

فرض فائده نقدی چهار صورت دارد:

صورت اول: اینکه بانک اسلامی شخصی را که برایش اعتبار باز کرده است ملزم نماید که در مقابل هر اندازه پول که از بانک می‌گیرد به میزان چند درصد همیشه به بانک اضافه بپردازد.

اگر شخصی اعتبار ده هزار تومان باز کرد، اگر در یک مرحله دو هزار تومان از آن برداشت کرده، مثلاً بانک از او صد تومان سود بگیرد؛ و اگر چهار هزار تومان از اعتبار خود استفاده کرد باید دویست تومان بدهد، و اگر شش هزار تومان برداشت نمود باید سیصد تومان به عنوان سود تحویل بانک بدهد، و اگر تا پایان مدت تعیین شده چیزی از حساب اعتبار خود برداشت نکرد چیزی بدهکار نمی‌باشد...

سودهای این صورت (ربا) است و داخل در عموم این آیه قرآنی خواهد بود:

(ای کسانی که ایمان دارید ربا نخورید)

معلوم است که اینگونه سودها حرام است و نباید به آن نزدیک شد.

صورت دوم: آنکه در مقابل عملیات باز کردن اعتبار سودی به بانک پرداخت شود. مثلاً: بانک اسلامی برای مشتری خودش یک اعتبار ده هزار تومانی باز کرده است. این عمل بدین معنی است که بانک اسلامی مبلغ ده هزار تومان از موجودی خود را به خاطر این مشتری را کد گذاشته است، نه آنرا به کسی فرض می‌دهد، و نه با آن معامله‌ای انجام می‌دهد، برای آنکه هر وقت مشتری بخواهد می‌تواند آن مبلغ را برداشت نماید. بنابراین بانک اسلامی در برابر را کد گذاشتن این مبلغ ده هزار تومان مثلاً پانصد تومان برای خود اضافه کند چه مشتری تمام این پول را برداشت نماید، یا قسمتی از آن را برداشت نماید، و یا اصلاً به آن دست نزنند. به طوری که اگر مدت تعیین شده که مشتری در ظرف آن مدت حق برداشت دارد گذشت اما مشتری از آن مبلغ چیزی برداشت نکرده باشد، باز هم ملزم است که پانصد تومان را بپردازد. و نیز اگر مدت مزبور تمام شود و مشتری مقداری از آن مبلغ را برداشته باشد، باز هم ملزم به پرداخت پانصد تومان است. و اگر مدت سرآمده باشد و مشتری تمام مبلغ را برداشته باشد. باز ملزم است که پانصد تومان را بپردازد. اینگونه زیاده روی به ظاهر داخل در (ربا) نیست، قهراً آیه شریفه شامل آن نخواهد شد. زیرا ربا عبارت است از زیاده‌ای اضافه بر سرمایه. و این مبلغ زیاده‌ای است که در مقابل عمل و کار بانک است. و کاری هم که بانک در این مورد

انجام داده است باز کردن حساب اعتبار و راکد گذاشتن مبلغ ده هزار تومان و احتکار آن به خاطر مشتری خود می‌باشد. پس به خاطر این احتکار و راکد ساختن آن پول چه مشتری از اعتبار استفاده کند؛ و چه استفاده نکند، سودی برای بانک منظور شده است ...

و این نوع معامله را در حقیقت نمی‌توان ربح و فایده نامید، زیرا گاهی ممکن است اصلاً مشتری پولی برداشت نکند، اما باز هم طبق قرارداد ملزم به پرداخت پانصد تومان می‌باشد ... وقتی که مشتری برداشتی نکند این پانصد تومان ربح چه چیز و سود کدام سرمایه خواهد شد تا ربا شود؟ بنابراین ظاهراً اینگونه فائده برای بانک جایز باشد.

صورت سوم: در مواردی که مشتری منظورش از باز کردن اعتبار در بانک اسلامی، کسب اعتبار باشد که به وسیله آن بتواند در بانکهای دیگری که او را نمی‌شناسد اعتبارهایی باز کند، و آن بانکها تا مشتری در بانک معتبر دیگری اعتبار نداشته باشد برای او حساب باز نمی‌کنند. در این صورت مشتری نمی‌خواهد به وسیله باز کردن اعتبار در بانک پولی برداشت کند. تنها می‌خواهد برای خود اعتباری داشته باشد که به وسیله آن با دیگر بانکها داد و ستد نماید. در چنین صورتی اگر بانک اسلامی در مقابل باز کردن اعتباری برای او مقدار معینی پول بگیرد (ربا) نخواهد بود. و این سود برای بانک اسلامی پاک و حلال است زیرا طبق توافق و التزام طرف میزان وجه و زمان و چگونگی آن و دیگر مشخصات تعیین می‌گردد. و حکم این صورت و صورت دوم داخل در گفتار حضرت رسول (ص) است در این حدیث شریف: (مسلمانان ملزم به وفای شرطهای خود می‌باشند)

بنابراین بانک اسلامی می‌تواند اقدام به افتتاح حسابهای اعتبار برای افراد نماید، و اگر بخواهد می‌تواند مبلغی هم در مقابل عمل خود از آنان بگیرد، و مطابق صورت دوم؛ یا سوم رفتار نماید. اما حق ندارد مطابق صورت اول چیزی از طرف بگیرد. صورت چهارم: هنگامی که طرف مقداری پول نقد خود را به حساب بگذارد، تا بانک به همان مقدار برای او اعتبار باز کند. در این صورت مسئله داخل در قسم (قبول سپرده‌ها) خواهد شد که قبلاً درباره آن بحث شد، و حکم آن نیز حکم همان (سپرده‌ها) است؛ به صفحه ۱۵ رجوع شود.

۱۳ وامهای صنعتی

۱۳ وامهای صنعتی

عبارت است از آنکه بانک به برخی از افراد مبالغ هنگفتی با مدتهای طولانی می‌دهد (ده سال، پانزده سال و ...) تا مؤسسات اجتماعی؛ صنعتی، کشاورزی یا آبادانی تأسیس کنند؛ و یا با آن مؤسسات موجودی را توسعه دهند...

در اصطلاح بانکی به این نوع مساعده‌ها (وامهای صنعتی) گفته می‌شود، ولی این نوع مساعده‌ها مخصوص قسمتهای صنعتی نیست، بلکه شامل انواع و اقسام مؤسسات اقتصادی می‌شود که دارای درآمدهائی می‌باشند، چه آنکه این مؤسسات صنعتی باشند یا غیر صنعتی ...

افرادی که می‌خواهند مؤسساتی را تأسیس نمایند، یا در آنها توسعه‌ای ایجاد کنند، و برای این منظور بودجه‌هایی که با آن بتوانند اقدام نمایند در اختیار ندارند، قرار وامهای طویل‌المدتهای با بانکها می‌گذارند؛ و بعداً هم از سودی هائی که می‌برند قرضهای خود را پرداخت می‌نمایند. و معمولاً بانکهای کارگشائی متصدی اینگونه مساعده‌ها خواهد شد. بانک اسلامی از نظر شرع می‌تواند مانند سایر بانکها به این عمل اقدام نماید. اما بانک اسلامی با سایر بانکهای فعلی در اینگونه کارها فرقی آن است که (ربا) و زیاده‌ای در مقابل وامی که به این گونه مؤسسات می‌دهد نخواهد گرفت، و از نظر بانک اسلامی وامی که به این صورت به مؤسسات می‌دهند جزء (قرض) است که در قرض ربا گرفتن حرام می‌باشد. بنابراین راه حل این مشکل چگونه است؟

که بانک اسلامی هم به صاحبان مؤسسات وام بدهد، و هم از سود مشروعی در مقابل این وام برخوردار باشد، تا بتواند به افراد نیازمند وام‌های بلاعوض بپردازد؟

راه حل

بهترین راه در این مورد آن است که بانک اسلامی کاری کند تا از طریقی که (ربا) نیست در مقابل اینگونه مساعده سود مشروعی بدست آورد، و راهش این است که:

بانک اسلامی در این مورد با صاحبان مؤسسات قرارداد مضاربه منعقد نماید، بدین ترتیب که سرمایه از بانک و کار از مؤسسه مزبور، و سود حاصله میان طرفین به نسبت هر یک چند درصد مشاع باشد، البته در مورد سود باید طبق قرارداد و توافق تعیین کنند نصف به نصف؛ یا یک سوم و دو سوم یا یک چهارم و سه چهارم، یا بیشتر و یا کمتر. این عمل موجب جلب سود بیش از حد معمول خواهد شد، زیرا هر اندازه عامل بیشتر کوشش کند، و در کار خود بیشتر به خرج دهد، به همان نسبت سود بیشتر خواهد برد، و در این معامله عامل به دیر و زود شدن نمی‌دهد تنها می‌کوشد که بهتر کار کند، قهراً به انتظار سود بیشتر کوشش بیشتری خواهد نمود. علاوه بر این اینگونه سودها معمولاً بیشتر از ربا خواهد بود، زیرا سود ربا اگر به فرض ۱۰٪ باشد، سود مضاربه اکثراً بیش از ۱۰٪ خواهد بود. قبلاً- تحت عنوان (مضاربه بانک اسلامی با مشتریان) درباره این راه حل بحث شد، و در کتاب اصلی (اقتصاد) هم مقدار دیگری در این باره بحث کرده‌ایم.

۱۴ پرداخت وام در مقابل اسناد

گاهی افراد احتیاج به پولی پیدا می‌کنند، و قدرت تهیه آن را ندارند، اسناد و اوراق بهاداری که دارند همراه خود به بانک اسلامی می‌برند، و اسناد خود را در بانک گرو گذاشته، در مقابل آن پولی را که لازم دارند می‌گیرند. در اینگونه موارد طبعاً بانک اسلامی باید کاملاً احتیاط به خرج دهد، تا از اینگونه اسناد و اوراق مطمئن شود، و بعداً طوری نباشد که ارزش این اسناد کاهش پیدا کند، یا آنکه به طور کلی از مالیت بیفتد، که در نتیجه از این راه به بانک اسلامی خسارت وارد شود در این مورد بانک اسلامی مانند سایر بانکها شرائط و پیشگیریهایی لازم را معمول خواهد داشت. فرقی که بین بانک اسلامی و دیگر بانکها در این کار موجود است همان مسئله (ربا) است که بانکهای امروزی صاحبان اسناد را ملزم می‌نمایند چند درصد سود به عنوان ربای این وام بپردازند. در حالی که بانک اسلامی این معامله را در قسم (رهن) داخل می‌نماید، که در رهن به هیچ وجه گرفتن ربا در مقابل وام رهنی جایز نیست. قبلاً ما در این باره تحت عنوان (رهن) بحث نموده‌ایم برای تکمیل این بحث به صفحه ۲۱ مراجعه فرمائید.

۱۵ پرداخت وام در مقابل کالا

بدین ترتیب که بانک اسلامی وجوه نقدی به افرادی می‌دهد؛ و در مقابل به عنوان رهن و یا وثیقه اجناسی را که رد و بدل آن آسان است تحویل می‌گیرد مانند: (طلا) (مروارید) (الماس) و از این نوع جواهرات. قهراً همانگونه که رسم بانکهای دیگر است بانک اسلامی هم می‌تواند به طرف خود شرط نماید که قیمت این اجناس بیشتر از مبلغی که در مقابل آن پرداخت می‌نماید باشد، و در بانکهای موجود معمول است که ۷۰٪ یا ۷۵٪ از قیمت جنس بیشتر به طرف، وام نمی‌دهند. و فایده کم بودن مبلغ وام از قیمت جنس معلوم است زیرا همین خود گاهی سبب خواهد شد که وام گیرنده پول را زودتر برگرداند. تا از ماندن جنسش که قیمت بیشتری دارد زیان نبرد. و نیز میان بانک و طرف حسابش یک نوع اعتماد بدین وسیله خواهد بود. و در این معامله برای مشتری و برای خود بانک سود دو جانبه‌ای وجود دارد. اما برای مشتری زیرا در حالی که می‌خواهد فروش جنس خود را تأخیر بیاندازد تا

قیمت آن بیشتر شود آن را نزد بانک می‌گذارد و مبلغ پولی را که لازم دارد در مقابل آن جنس از بانک دریافت می‌کند، و گاهی هم ممکن است طلاجات و جواهرات از لوازم زندگی او باشد که نمی‌خواهد آنها را بفروشد، آنها را در بانک می‌گذارد و مبلغ مورد نیاز خود را می‌گیرد. اما بانک اسلامی از سود آن پولی که به صاحب جنس داده است به نحو مشاع در قرارداد مضاربه استفاده می‌کند، از طرفی هم این اجناس را جزء موجودی خود در آورده و بدین وسیله میزان موجودی خود را بالا می‌برد، زیرا گفتیم که: قیمت این اجناس معمولاً بیشتر از مبلغی خواهد بود که بانک به صاحبان آن می‌پردازد. و عیناً همان فرقی که در بحث قبلی (پرداخت وام در مقابل اسناد ص ۲۵) گفتیم اینجا هم بین بانک اسلامی و دیگر بانکها وجود دارد: بانکهای موجود در این معامله سود معینی به میزان چند درصد قبلاً از اصل پولی که وام می‌دهند به عنوان (ربا) برمی‌دارند. اما در مقابل، بانک اسلامی سودی مشاع و نامعلوم از سود پول نه از اصل آن خواهد برد که اکثراً از ربا بیشتر می‌شود. البته مسئله (پرداخت وام در مقابل کالا) آنگونه که بانک اسلامی عمل می‌کند، داخل در یک مسئله مرکب از (مضاربه و رهن) است که قبلاً درباره آن دو جداگانه تحت عنوان مضاربه و رهن بحث نمودیم.

۱۶ نقد کردن اوراق بهادار

۱۶ نقد کردن اوراق بهادار

هرگاه نزد بازرگانی یک برهه مالی باشد مانند (سفته) که هنوز مدت آن نرسیده است، و شخص بازرگان به پول آن نیازمند باشد، آن برهه را نزد بانک معینی می‌برد تا قیمت آن برهه را نقد دریافت کند، بانک ورقه را از او می‌گیرد و پس از کسر مقدار معینی از قیمت ورقه، قیمت آن برهه را به بازرگان می‌پردازد. در متعارف بانکها کسری این اوراق به میزان ربای قیمت آن سفته در باقیمانده مدت پرداخت آن می‌باشد. مثلاً اگر بانکی در مقابل هر یک هزار تومان سالیانه پنجاه تومان بهره می‌گیرد، اگر سفته‌ای بیست هزار تومان ارزش داشته باشد، و شش ماه به وقت پرداخت آن مانده باشد مقدار پانصد تومان از آن کسر نموده، بقیه پول سفته را که نوزده هزار و پانصد تومان باشد به صاحبش نقد می‌پردازد. امروزه نقد کردن سفته‌ها یکی از طرق اقتصادی معاصر به منظور گردش سرمایه بدون دخالت پول به شمار می‌رود. بنابراین نقد کردن سفته‌ها در عین حال که یک نوع کمک به افراد محتاج و گرفتار است، ولی اهمیتی بزرگ هم در استحکام بازرگانی، و صادرات و واردات، و مصرف اجناس، و نقل و انتقال آسانتر آنها دارد. بنابراین در عملیات نقد کردن اوراق سود دو جانبه وجود دارد، و همانگونه که بانکها استفاده می‌برند، عامل‌ها نیز سود خواهند برد، اما جریان سود بازرگانان: بازرگان کالای خود را در ظرف مدت معینی با اقساط متعدد به فروش می‌رساند، و همین معامله اقساطی همانگونه که در تمام بازارهای جهانی متداول است؛ به بازار رونق مخصوصی خواهد بخشید. و بازرگان در مقابل کالای خود سفته‌هایی که طبق توافق یکدیگر وقت پرداخت آنها هر یک در یک زمان تعیین شده است از طرف می‌گیرد. بازرگان انواع و اقسام سفته‌ها را پیش خود جمع می‌کند هر وقت زمان دریافت قسمتی از این سفته‌ها شد آنها را وصول می‌کند، و هنگامی که بازرگان پیش از زمان دریافت این سفته‌ها به پول آنها نیازی داشت، سفته‌ها را در بانکها نقد می‌کند، و قیمت آنها را با مقداری کسری دریافت می‌نماید. بنابراین بازرگان بدین طریق توانسته است کالای خود را از راه سریعتری به مصرف برساند، در حالیکه توانسته است برای قیمت اجناس خود ضامنی بگیرد که مانند پول نقدی همیشه در دست او است، که هر وقت به آن احتیاج داشت می‌تواند با کسری مختصری آنها را نقد نماید. اما استفاده بانک از این عمل بدین ترتیب است که: بانک از این طرف و آن طرف اوراق بهاداری که رسیده است نزد خود جمع می‌کند. هر وقت که مدت این سفته‌ها و اوراق مخصوص بازرگان رسید، بانک همه آنها را وارد لیست موجودی خود خواهد نمود. و اگر وقت این سفته‌ها هنوز نرسیده است و بانک هم به پول آنها نیاز داشته باشد،

بانک می‌تواند این اوراق بهادار را به مشتریان خود بدهد و با کسری کمتری از اندازه‌ای که خود کسر کرده پول آنها را نقد کند، زیرا هرچه مدت کمتر شود کسری سفته کمتر خواهد بود، قهراً بانک در این بین سودی خواهد داشت. اگر بگوئیم: امروزه ۱۰٪ گردش و نقل و انتقالات بازرگانی آزاد جهان مربوط به عملیات نقد کردن اوراق بهادار است گراف نگفته‌ایم. بانک اسلامی هم مانند سایر بانکها اقدام به عملیات نقد کردن اوراق می‌نماید؛ اما بانک. اسلامی با دیگر بانکهای فعلی از چند نظر فرق دارد که اینک بیان می‌کنیم:

انواع نقد کردن اوراق

نقد کردن سفته، یا نقد کردن انواع دیگر اوراق بهادار بازرگانی بر چهار نوع است:

نوع اول:

آنکه سفته واقعی باشد که تنظیم آن مطابق واقع باشد، بدین ترتیب که شخصی که سفته را به دیگری می‌دهد در واقع قیمت آن سفته را به او بدهکار باشد. و این شخص که سفته برای او نوشته شده است می‌خواهد این سفته را با قیمت ارزانتری در بانک نقد کند. با اینکه مثلاً سفته هزار تومانی را تحویل بانک بدهد و در مقابل مبلغ نهصد و پنجاه تومان پول نقد وصول نماید. این نوع معامله شرعاً جایز است و بانک اسلامی همانند سایر بانکهای موجود می‌تواند وارد عملیات نقد کردن اوراق شود.

نوع دوم:

سفته‌هایی که تنظیم آنها مطابق واقع است، و شخصی که سفته بنام او است می‌خواهد این سفته‌ها را در بانک به قیمت نسیه‌ای بفروشد. بدین طریق که صاحب سفته آنها را تحویل بانک می‌دهد که بانک قیمت آنها را پس از مدت معینی به او پردازد حال چه در این نوع معامله سفته را به کمتر از قیمت خودش بفروشد، یا بیشتر از قیمت خودش، یا به مساوی قیمت خودش. اینگونه خرید و فروش سفته و اوراق بهادار از نظر اسلام صحیح نیست: و در اصطلاح فقه اسلام آن را (بیع دین بدین) و یا معامله کالی به کالی گویند.

نوع سوم:

سفته‌های صوری که روی واقعیت تنظیم نشده است بلکه صورت سازی است، و مبلغی که در آن قید شده است در حقیقت دینی در ذمه دهنده سفته دهنده نیست، و تنظیم آن تنها به خاطر دادن اعتباری به طرف مقابل است، که به این مقدار به او اعتبار خواهد بخشید؛ یا برای آن است که هر وقت احتیاج داشته باشد بتواند آن را بفروشد، یا از اینگونه هدفهای بازرگانی و این نوع سفته را (سفته صوری) می‌نامند؛ فروختن اینگونه سفته‌ها در بانک به قیمت نقد از نظر اسلام جایز است.

فرض فقهی مسئله

برای این مسئله راه حل‌هایی است که به یکی از آنها اشاره می‌کنیم:

مثلاً فرض می‌کنیم که (علی) در بان دارای اعتبار می‌باشد؛ و (حسین) به مبلغ یک هزار تومان احتیاج دارد؛ نزد علی می‌آید: و از او می‌خواهد که یک سفته هزار تومانی به او بدهد، تا حسین آن را در بانک به قیمت کمتری برای خود نقد نماید. علی هم سفته‌ای را به نام حسین امضاء می‌کند و به او می‌دهد. و حسین می‌آید و این سفته را در بانک نقد می‌کند، و در مقابل آن مبلغ نهصد و پنجاه تومان از بانک دریافت می‌دارد.

اینک حل فقهی مسئله

اینکه علی به حسین سفته‌ای می‌پردازد تا برای خود در بانک آن را نقد کند، در حقیقت یک نوع وکالت دادن به حسین است که حسین از طرف علی ضمن یک عقد معاوضه یک هزار تومان را پس از شش ماه به مبلغ (نهمصد و پنجاه تومان) نقد تبدیل نماید. روی این حساب علی با وکالتی که به حسین داده است خود را به مبلغ هزار تومان مدیون بانک نموده است. با این عمل علی با وکالتی که خود داده است مبلغ یک هزار تومان به بانک مدیون می‌گردد. و در این عمل نیز یک نوع اجاره‌ی ضمنی از طرف علی برای حسین است که قیمت سفته را نقد کرده و در آن به عنوان قرض تصرف نماید.

نتیجه این خواهد شد:

که علی هزار تومان به بانک بدهکار است، و حسین نیز هزار تومان به علی بدهی دارد. این عمل از آنجا که از نظر اسلام اشکالی ندارد البته به شرطی که به همین صورت مزبور عمل کنند بانک اسلامی نیز این قبیل سفته‌ها را مانند سایر بانکها رد و بدل می‌کند.

پول زیادی چه حکمی دارد؟

در اینجا سؤالی خود به خود پیش می‌آید و آن سؤال این است که حسین به عنوان وکالت از علی نهمصد و پنجاه تومان از بانک گرفته است، آیا علی حق دارد که از حسین چیزی اضافه بگیرد و هزار تومان از او طلبکار شود؟

آیا این عمل ربا و حرام نیست؟

و سؤال دوم آنکه: آیا علی می‌تواند در مقابل پرداخت سفته هزار تومانی به حسین، مبلغی بیش از هزار تومان از حسین مطالبه نماید یا نه؟

پاسخ پرسش اول مثبت است:

بلی علی می‌تواند از حسین هزار تومان مطالبه نماید، گرچه حسین تنها نهمصد و پنجاه تومان از بانک دریافت کرده است و علتش هم آن است که علی سفته‌ای را به حسین داده است که قیمت آن یک هزار تومان بوده است، منتها وقت وصول آن مدتی بعد بوده است. بنابراین علی به حسین مبلغ هزار تومان قرض داده است اما اینکه حسین خودش رفته است و در بانک از پنجاه تومان آن صرف نظر نموده، برای آنکه عجله داشته است این خسارتی است که خود حسین برای خود قبول کرده است.

اما پاسخ پرسش دوم منفی است:

زیرا علی که سفته‌ای به مبلغ هزار تومان به حسین داده است؛ حق ندارد که از حسین بیش از هزار تومان مطالبه نماید. و اگر مطالبه نماید ربا و حرام خواهد بود. بنابراین در فرض ما از جهت کسر نمودن بانک اشکال ربا پیش نمی‌آید. تنها اشکال در آن است که به فرض علی از حسین بیشتر از مقدار سفته مطالبه نماید، که در این صورت آن زیادی ربا و حرام است.

نوع چهارم:

آنکه سفته‌ی صوری و ساختگی را در بانک به مبلغی نسبیه بفروشند، در همان مثال قبلی حسین سفته‌ای را که از علی گرفته است تحویل بانک بدهد به این منظور که بانک قیمت این سفته را تا مدت معینی به حساب وارد کند، این معامله نیز در ظاهر اشکال شرعی ندارد.

زیرا علی که سفته‌ای پرداخته است از دو حال خارج نیست: یا در بانک موجودی دارد، یا در بانک اعتبار دارد. اگر در بانک موجودی داشته باشد، معنای این سفته آن است که بانک هزار تومان از حساب علی به حساب حسین وارد نماید. و این عمل از نوع حواله خواهد شد. ولی اگر علی در بانک فعلاً موجودی ندارد، تنها اعتبار و اعتماد است. معنای این سفته آن است که علی از بانک هزار تومان قرض نموده است؛ و اجازه داده است که پس از مدت معینی آن را به حسین بپردازند.

در نتیجه:

فروش سفته و سایر اوراق بهادار دیگر، که قابل خرید و فروش است در این سه نوع از نظر شرعی درست است:

۱. سفته واقعی را با کسری نقد کنند.

۲. سفته صوری را با کسری نقد کنند.

۳. سفته صوری را به نسیه بفروشند.

در این سه نوع صورت معامله سفته صحیح است. اما در یک صورت صحیح نیست و آن عبارتست از اینکه:

۴. سفته واقعی را به نسیه بفروشند.

زیرا این نوع معامله همان فروش دین بدین و معامله نامشروع کالی بکالی است. بانک اسلامی در سه صورت فوق روی سفته‌ها معامله انجام می‌دهد اما در صورت چهارم به هیچ وجه معامله نخواهد نمود.

۱۷ صرافی

از جمله کارهای (بانک اسلامی) عملیات صرافی است که پولهای مختلف را تبدیل می‌نماید، و این عمل همان کاری است که امروزه می‌بینیم همه صرافها انجام می‌دهند. گرچه این کار امروزه جزء کارهای اساسی بانک به حساب نمی‌آید، زیرا دهها و صدها صراف که مشغول این کار هستند، سبب می‌شود که در این مورد کمتر به بانکها مراجعه شود، اما با این وصف همیشه این کار نیز جزء کارهای بانکها بوده و هست. و این کار از نظر شرعی صحیح و جایز است. زیرا نوعی مبادله و خرید و فروش است که بین دو طرف معامله انجام می‌گیرد، و خداوند هم می‌فرماید: (خداوند خرید و فروش را حلال کرده است).

۱۸ مقاصه یا چکهای به شرط وصول

از جمله عملیات بانک اسلامی اقدام به (مقاصه) است که امروزه در بانکهای فعلی متداول است.

(مقاصه) آن است که (علی) و (حسین) هر یک با یک بانک غیر از بانکی که دیگری با آن معامله دارد سروکار دارند هر یک از این دو نفر که از دیگری طلبکار است بابت طلب خود چکی به ارزش طلب که حواله برای بانک طرف حساب او است از او می‌گیرد، و این چک را تحویل بانکی که خود حساب دارد می‌دهد، و بانک پس از آنکه مبلغ چک را از بانک طرف خود وصول کرد به حساب مشتری خود می‌ریزد.

مثلاً- علی از حسین ده هزار تومان طلب دارد. و علی داد و ستدش با بانک اسلامی است و حسین با (بانک خاورمیانه) معامله دارد. حسین چکی به مبلغ ده هزار تومان به علی می‌دهد که این چک حواله بسر بانک خاورمیانه است. علی چک مزبور را می‌گیرد و تحویل بانک اسلامی می‌دهد، بانک اسلامی هم پس از آنکه ده هزار تومان را از بانک خاورمیانه وصول کرد آن را به حساب علی واریز می‌کند. بانک اسلامی در این نوع داد و ستد دو جانبه فعالیت دارد، هم چکهای مشتریان خود را از بانکهای دیگر وصول می‌نماید، و هم چکهای دیگران را از حساب مشتریان خود کسر نموده تحویل بانکهای دیگر می‌دهد.

۱۹ عملیات دیگر

و نیز عملیات بانکی دیگری هم وجود دارد که بانک اسلامی همانند سایر بانکهای معاصر اقدام به انجام آن عملیات خواهد نمود؛ اما با یک فرق که بانک اسلامی همه جا در محدوده قوانین اسلامی گردش می‌نماید. مانند ضمانتها، اجاره، صلح، شرکت، بیمه، کفالت؛ جعاله (قرارداد) (حق العمل کاری) داد و ستد چکها واسطه گری در کشاورزی و مزارعه و مساقات و از این قبیل معاملات که سود فراوان عاید بانک اسلامی خواهد نمود. اما به خاطر اختصار فعلاً ما از این بحثها خودداری کردیم، و بیان آن را واگذار

نمودیم که انشاء الله در فرصتهای مناسبی درباره آنها رسیدگی شود. البته ناگفته نماند که در عملیات بانکی مسائل مختلفی برای بانک و مشتریان پیش می‌آید که باید از نظر شرعی در آن مسائل حکم اسلام و نظر فقها بدست بیاید.

گاهی در برخی موارد و پاره‌ای از معاملات باید دید نظر اسلام چیست؟ آیا اسلام آن معامله را تجویز می‌کند و با مشتریان خود داد و ستد خواهد نمود یا نه؟ اسلام آن معامله را حرام می‌داند تا بانک اسلامی از آن دوری جوید، و به مشتریان خود نیز توصیه نماید که از آن معامله اجتناب ورزند.

اینگونه مسائل احتیاج به یک دائرة المعارف اقتصادی مفصل دار که همه مسائل مربوطه را بررسی نماید، و از مدارک اسلامی نظریات اسلام و نظریات مختلف مجتهدین را بدست آورد؛ و معلوم شود که میان بانکهای دیگر و بانک اسلامی چه فرقهائی از نظر داد و ستد وجود دارد؟

در خاتمه

این بود راهی به سوی (بانک اسلامی).

و این بود کارهای اساسی بانک اسلامی.

آیا در این راه چیزی وجود داشت که مانع تشکیل بانک اسلامی شود؟

و آیا داد و ستدهای بانک اسلامی معاملاتی کم سود به نظر رسید؟

نه خیر!

بررسی در این موضوع با اینکه به طور مختصر انجام گرفت، اما ثابت کرد که بانک اسلامی از بانکهای موجود بیشتر سود خواهد داشت. با امید خدا به همین نزدیکی‌ها هنگامی که بانک اسلامی از طرف بازرگانانی مسلمان و دلسوخته تأسیس گردید، خود بهترین دلیل برتری بانک اسلامی و سود بیشتر آن خواهد بود. بازرگانان مسلمان! گذشته از وظیفه انسانی و دینی که دارید بکوشید تا راه تأسیس بانک اسلامی سودی بیشتر بدست آورید. بکوشید تا رضایت الهی را در دنیا جلب نموده و در آخرت مورد آمرزش خدا قرار گیرید.

پایان

کربلا مقدسه

السید صادق الشیرازی

پی نوشتها

. سورة زمر آیه ۱۸، (فبشر عبادى الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه اولئك الذين هداهم الله، و اولئك هم اولوالالباب).

. به زودی در فصل (عملیات بانک اسلامی) مقداری درباره مضاربه بحث خواهد شد، و خواننده محترم می‌تواند برای مطالعه بیشتر در این مورد به فصلهای دیگر از کتاب دیگر مؤلف بنام (عن الاقتصاد الاسلامی) ... مراجعه فرمایند.

. در کتاب (عن الاقتصاد الاسلامی) ... فصلی به عنوان (شبکه ابتزاز الاموال) باز شده که مؤلف در این فصل استدلال می‌کند که چگونه ربا اقتصاد را در هم کوبیده، و چگونه با الغاء ربا اقتصاد پیشرفت خواهد کرد.

. فصلهائی از کتاب (فی الاقتصاد الاسلامی) ... این بلاها را برای ربا ثابت می‌کند.

. زیرا در بعضی از فصلهای کتاب اصلی ما در اقتصاد بنام (عن الاقتصاد الاسلامی) ... ثابت کرده‌ایم که بانک اسلامی بیش از بانکهای رباخوار استفاده خواهد نمود و در فصل آینده نیز اشاره‌ای به این مطلب خواهد شد.

. سوره انعام، آیه ۱۶.

. وسائل الشیعه، ج ۱۳، ابواب دین و قرض.

. وسائل الشیعه، ج ۱۳ ابواب دین و قرض.

. (قرض الحسنه) یک اصطلاحی اسلامی است در مقابل (قرض الربا) معنای (قرض الحسنه) آن است که بهره این قرض در نزد خداوند حسنات آخرت است، و نیکبختی آن نیز در دنیا با ایجاد همبستگی اجتماع و دوری جامعه از بلاهای ربا است.

. برای توضیح بیشتر درباره این موضوع به کتاب (بانک اسلامی) تألیف: مرجع دینی حضرت آیه الله سید محمد شیرازی (دام ظلّه) مراجعه بفرمائید.

. سوره مائده آیه ۱: (یا ایها الذین آمنوا او فوا بالعقود).

. نهج الفصاحه، صفحه ۶۲۹: (المسلمون عند شروطهم) و در بعضی روایات اضافه شده است (ما وافق الحق من ذلك) (یعنی آن شرطهایی که موافق حق باشد).

. این بحث با بحث آینده (قبول سپرده‌ها) از نظر قوانین اقتصادی اسلام فرق دارد، هرچند که در بحثهای اقتصادی معاصر و نظام بانکهای فعلی این دو بحث با هم یکجا ایراد می‌شود، ولی به دو جهت این دو بحث را از همدیگر جدا نموده و به طور استقلال ایراد کردیم:

۱. بخاطر رعایت قوانین اسلامی که دو بحث در قوانین اسلام از هم جدا است.

۲. بخاطر فرقهائی که در این دو مورد هست، به طوری که ایجاب می‌کند که جداگانه مورد بحث قرار گیرند، و به زودی پس از مطالعه از این فرقه آگاه خواهید شد.

. در کتاب اصلی اقتصاد قبلا درباره این مطلب در فصلهای اول به تفصیل بحث کرده‌ایم.

. برخی از بانکها که بوسیله آنان حواله فرستاده می‌شود حاضرند در مقابل حواله‌ایکه بوسیله آنان فرستاده می‌شود سودی بپردازند، و این بانکها بر دو نوعند:

۱. بانکهای کوچک محلی که معاملات اندکی دارند، به بانکهای بزرگ جهان سودهائی می‌دهند تا بوسیله آنان حواله بفرستند تا از این راه معاملاتشان بیشتر شده، سود ببرند.

۲. بانکهای که ابتدای تأسیس آنان است به بانکهای دیگر در مقابل حوالجاتشان سودهائی می‌دهند، تا معاملاتشان بیشتر شود.

. و در صورتی که طرف خود در خانه سکونت داشته باشد، بانک اسلامی می‌تواند خانه را به خود او اجاره دهد.

. آل عمران آیه ۱۳۰: (یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا الربا).

. وسائل الشیعه، کتاب التدریر.

. بقره، ۲۷۵: (واحل الله البيع).

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۲۴۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

